



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۸
سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۴۰ ریال

جامعه سوسیالیستی اتحاد شوروی از پدیده‌های بحران فارغ است

کار بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی، که روز ۴ اسفند ۵۹ در مسکو گشایش یافت، همچنان ادامه دارد. در جلسه روز ۹ اسفند، اظهار نظر نمایندگان کنفرانس پیرامون گزارش نیکلای تیخوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، درباره برنامه پنجاه ساله پیشرفت اقتصادی اتحاد شوروی ادامه یافت. نمایندگان کنفرانس در اظهار نظرهای خود جواب مختلف این برنامه را مورد بررسی قرار دادند و ملاحظات و نظریات اصلاحی خود را برای تدقیق و تکمیل مواد این برنامه ارائه نمودند.

در بخشی از گزارش نیکلای تیخوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی آمده است: «مخالف تبلیغاتی جهان سرمایه داری تلاش دارند بمشاور اجزای توجه زحمتکشان کشورهای سرمایه داری از مضامین پدیده‌های بحرانی در اقتصاد بیمارگونه جهان سرمایه داری، مانند تورم، بیکاری و افزایش سرسام آور قیمتها، که پدیده‌های آن مستقیماً زندگی زحمتکشان را تحت فشار قرار میدهد، واقفیت سیستم اقتصادی سوسیالیسم را در اتحاد شوروی تحریف کنند و نظام سوسیالیستی را مورد حمله قرار دهند. این مخالف چنین تبلیغ میکنند که گویا اتحاد شوروی با بحران اقتصادی روبروست.»

رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی در گزارش خود خاطر نشان میسازد:

«واقفیت زندگی در اتحاد شوروی، سالهاست که بطلان این نظریات را به اثبات رسانده است. برخلاف جامعه سرمایه داری، که همواره در زیر فشار تضادهای ساختاری قانونمند خود با پدیده‌های تورم، بیکاری و بحران روبروست، سوسیالیسم با وحدت و یکپارچگی اجتماعی و سیاسی جامعه و برنامه ریزی عملی امور اقتصادی نفع همه زحمتکشان از این پدیده‌های بحرانی فارغ است و شکوفائی و ترقی مداوم اقتصاد و ارتقاء سطح رفاه زندگی زحمتکشان را تأمین میکند.»

اظهار نظر مهمانان خارجی شرکت کننده در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی

ملکلان، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، که در راس هیئت نمایندگی این حزب در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت دارد، طی مصاحبه مطبوعاتی در مرکز مطبوعاتی کنفرانس اظهار داشت:

«بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی نظر مطبوعات و مخالف اجتماعی جهان را بخود جلب کرده است. این توجه یکی از مظاهر قدرتمندی خلقهای جهان از تنش قاطع و موثری است که اتحاد شوروی در حل معضلاتی که بشریت با آنها روبروست، ایضا بقیه در صفحه ۷

توطئه‌های امپریالیسم آمریکادریستان و بلوچستان ابعاد خطرناکی یافته است

● ضدانقلاب تاکنون ۴۰ پاسدار را در استان سیستان و بلوچستان ترور کرده است.
● گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی، همپای خوانین و قاجاقچیان، توطئه علیه انقلاب را گسترش داده‌اند.
● کشتار پاسداران، قاجاق وسیع و ایجاد ناامنی و آشوب، گوشه‌هایی از فعالیت ضدانقلاب در این ناحیه است.

می‌کنند و حتی دست به کشتار و ترور این فرزندان انقلابی خلق می‌زنند. شهادت ۷ نفر از پاسداران انقلاب در روزهای اخیر و نیز یک پاسدار در روز ۷ بهمن ۵۹ در کنار ۱۱ پاسدار در سال گذشته، تنها گوشه‌ای از عملیات جنایتکارانه ضدانقلاب است.

فرمانده سپاه پاسداران ایرانشهر در مصاحبه‌ای، قبل از ترور ۷ پاسدار، با تلویزیون استان، تعداد شهدای سپاه در این منطقه را ۴۰ نفر اعلام کرد. وی در همین مصاحبه تأکید کرد که سپاه با تمام قدرت خود به مقابله با گروههای مسلح ضدانقلاب پرداخته و می‌پردازد و در نتیجه این عملیات، فعالیت این گروهها تا حدودی کاهش یافته و رهبران آنها به پاکستان فرار کرده‌اند.

سخنان فرمانده سپاه پاسداران ایرانشهر، ضمن اینکه نشان میدهد که این ضدانقلابیون مسلح دارای چه پایگاهی هستند و از چه کسانی کمک می‌گیرند، بیانگر توطئه‌های جنایتکارانه ضدانقلابیون مسلح علیه پاسداران و دیگر نیروهای انقلابی در این استان است.

بقیه در صفحه ۴

انقلابی شرکت مؤثر و مستقیم دارند. اینان تحت پوشش «اسلام» و با استفاده از امکاناتی که رژیم دست‌نشانده ضیاعالحق در پاکستان در اختیارشان می‌گذارد، به همانسان که علیه انقلاب افغانستان دست به توطئه و تحریک می‌زنند، علیه انقلاب ایران نیز عملیات مشابهی را انجام می‌دهند. باصطلاح «مبارزان افغانی» از عوامل اصلی قاجاق مواد مخدر، ارز و اسلحه‌های گوناگون در استانهای مرزی کشور و از جمله سیستان و بلوچستان هستند. میتوان رتوس اصلی فعالیت ضدانقلاب را در این استان چنین جمع‌بندی کرد:

تبلیغ علیه نیروهای انقلابی و کشتار پاسداران

ضدانقلاب، از آنجا که با مقاومت نهادهای انقلابی و بخصوص ارگانهای مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی روبرو است، عمده حمله تبلیغی و تخریبی خود را متوجه این نیروها کرده است. قداره‌بندان مسلح ثرودالها، اوپاشان حرفه‌ای و ساواکیهای جانی، در کنار گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی، علیه پاسداران انقلاب فعالیت تبلیغی گسترده‌ای

خبر تکان‌دهنده شهادت ۷ تن از پاسداران انقلاب استان سیستان و بلوچستان، همراه با اخبار متعددی که از فعالیت‌های ضدانقلاب در این استان پرمه بر می‌آید، نشان‌دهنده آن است که توطئه‌های مزدوران و عوامل امپریالیسم آمریکا در این منطقه، ابعاد خطرناکی پیدا کرده است.

عوامل مسلح ضدانقلاب، ثرودالها و قداره‌بندان، قاجاقچیان اسلحه، پول و مواد مخدر، گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی و روحانی‌نمایان و ساواکیها، در یکجبهه متحد فعالانه تلاش می‌کنند، تا هرچه بیشتر این استان را به آشوب بکشاند و هر چه مرجع ایجاد کنند.

جبهه ضدانقلاب در این استان با حمله به پاسداران و نیروهای مسلح، با به‌آتش کشیدن کتابخانه‌های اهل سنت و اهل تشیع، با قاجاق گسترده مواد مخدر و انواع اسلحه‌ها، و سرانجام با تبلیغات گسترده علیه ارگانهای انقلابی کشور، مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، نقشه‌های شوم خود را، که مستقیماً از سوی امپریالیسم آمریکا و پاکستان دیکته شده، اجرا می‌کنند. همچنین باصطلاح «مبارزان افغانی» هم در تمامی این عملیات تخریبی و ضد

چماقداری

دنیای سرمایه داری با «تحفه‌های» زیادی داده است، که یکی از زشت‌ترین آنها همین پدیده چماقداری است. البته اعمال قهر طبقاتی بوسیله چماق یا هر وسیله دیگر از هزاران سال پیش وجود داشته است، اما چماقداری در شکل جدید آن، که بصورت حمله به تظاهرات و اعتصابات کارگری و احزاب مخالف و کارهایی از این قبیل انجام می‌گیرد، يك پدیده صرفاً سرمایه داری است.

چماقداری نوع جدید همزمان با رشد جنبش کارگری در اروپا آغاز شد و در دوران روی کار آمدن رژیمهای فاشیستی در اروپا با وجود خود رسید. سرمایه‌داران برای مبارزه با کارگران اعتصابگر و درهم شکستن اعتصاب آنان، عده‌ای چماقدار از میان اوپاش و عناصر بی‌چهره اجیر میکردند و در پناه حمایت پلیس، آنان را به جان کارگران و احزاب هوادار آنها می‌انگیزانند. پلیس در ظاهر بیطرفی خود را حفظ میکرد، ولی در عمل از چماقداران پشتیبانی مینمود و دست آنان را در حمله به اجتماعات و مجامع کارگری و غیره باز میگذاشت. بدینسان، ظاهر امر چنین بود که «مردم» با هم درافتاده‌اند و پلیس عملی برخلاف «قانون» و «آزادی» اعتصاب و تجمع و غیره انجام نداده است. شیوه چماقداری هم‌اکنون در آمریکا وسیعاً بر ضد سیاه‌پوستان بکار بسته میشود.

چهره فریبکار نظام سرمایه داری محض در همین پدیده چماقداری بخوبی نمایان است. در قانون اساسی بسیاری از کشور-

های سرمایه داری تمام «آزادی»ها، از جمله آزادی اعتصاب، ذکر شده است، ولی چماق چماقدار، زیر حمایت پلیس، این «آزادی» را به آسانی آب‌خوردن از زحمتکشان سلب میکند.

ایران شاهنشاهی نیز، که در تمام موارد قدم بقدیم بسدنیال سرمایه داری منحن غرب گام برمیداشت، پدیده چماقداری را بصیانت دولتی خود تبدیل کرد. در دوران جنبش ملی کردن صنایع نفت، در تمام شهرهای ایران، دسته‌های چماقدار برای حمله به تظاهرات کارگران و محل تجمع هواداران و اعضای سازمانهای مترقی و دمکراتیک، بویژه حزب توده ایران، تشکیل شده بود.

کودتای ۲۸ مرداد با میداننداری چماقداران آشپز گشت، ساواک این شیوه را در تمام مدت پمداز کودتا ادامه داد. در زمان انقلاب، ساواک دسته‌های بزرگی از چماق‌داران در تهران و سایر شهرهای بزرگ تشکیل داده و رهبری آنان را خود بعهده گرفته بود. انقلاب با طرد سر چماقداران فرمانده، جانی برای کاربرد شیوه چماقداری باقی نگذاشت. در دوران پس از انقلاب، بسیاری از همین چماقداران و ساواکی‌ها، با تظاهر به مسلمانی، خود را در نهادهای انقلابی جا زدند و به پدیده چماقداری رنگ تازه‌ای دادند. اسناد غیرقابل انکاری در دست است که نشان میدهد که در اکثر موارد، همین ساواکی‌های رنگ عوض کرده، با تحریک احساسات مذهبی و گاهی تعصب خام جوانان و حتی پیران، جریانی راه، که اکنون چماقداری نامیده میشود و همه آنرا محکوم میکنند، راه انداخته‌اند.

هر چند چماقداری در این مرحله نیز نهایتاً وسیله‌ای برای تأمین منافع سرمایه‌داران بزرگ و مالکان بزرگ و حامیان امپریالیست آنهاست، ولی شیوه عمل برای نیل به این هدف با سابق فرق دارد. چماقداری اکنون وسیله ایجاد شکاف در جامعه انقلابی بسود نیروهای مخالف انقلاب، یعنی همان کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و حامیان امپریالیست آنهاست. خوش‌باوری است اگر ما گمان کنیم که رهبران و سازماندهندگان چماق‌داری نیز مانند توده‌های ناآگاهی که گاه بدنیال خود میکشند، هدف روشن سیاسی ندارند و به بقیه در صفحه ۴

دورصفحات بعد
یادی از
شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا
(به مناسبت هزاره میلادش)
صفحه ۶
درباره استقلال و وابستگی دوستان و دشمنان انقلاب (۲)
صفحه ۴

برای مردم، تعامل در تکمیل کابینه نامفهوم و غیر قابل دفاع است

اکنون دیگر همگان متفق - اتقوانند که فقدان سه وزیر در دولت و بی‌تصدی ماندن سه وزارتخانه بسیار مهم، آنهم ماهها پس از تشکیل دولت، نامفهوم و غیر قابل دفاع شده است.

ماه‌هاست که سه وزارتخانه بسیار پراهمیت امور خارجه، اقتصاد و دارائی و بازرگانی، ظاهراً به این دلیل که «آدم مناسب» و مورد توافق، پیدا نمیشود، بدون سرپرست مانده‌اند و در نتیجه مشکلات جدی در زمینه‌هایی که برای حیات انقلاب و پیشروی آن، اهمیت حیاتی دارند، پدید آمده است.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بدون سرپرست است، و این در حالی است که اتخاذ يك سیاست فعال، روشن و ضد امپریالیستی، بویژه در زمانیکه جمهوری اسلامی ایران با تجاوز مستقیم رژیم جنایتکار سدام حسین و توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، روبروست، بقیه در صفحه ۴

بالاخره پروتکل ملاقات با برژینسکی را منتشر میکنند یا نه؟!!

اینک، هر چه بیشتر آشکار میشود که سیاست لیبرال‌های وطنی از آغاز با مشی امپریالیسم آمریکا در برابر انقلاب ایران هماهنگ بوده است.

این هماهنگی، که تازه‌ترین نمونه آنرا در مغالزه ریگان و عناصر باصطلاح «میانه‌رو» و «معتدل» (بخوان: لیبرال) دیدیم، با نقشه‌های سالیوان - بازرگان برای «گذار مسالمت‌آمیز» انقلاب آغاز شد و با «زردوبنده» نافرجام «الجزیره» به اوج خود رسید.

قسمت زبر، که از یکی از گفتارهای «صدای آمریکای» (دهم اسفند ۵۹) گرفته شده است، نه تنها تکراری انقلابیون ایران را از پیامدهای سازشکاری دولت لیبرال تأیید میکند، بلکه بویژه بیانگر «تقابل» طرفین، یعنی دولت آمریکا و «دولت موقت» به احیای «مناسبات گذشته» و هماهنگی اقدامات آنها در این زمینه است. «صدای آمریکا» میگوید:

«کاردار سفارت آمریکا در تهران (بروس لینگن) به این پرسش که آیا مخالف یادشده (عناصر انقلابی) از آن می‌ترسیدند که «دیدار الجزیره» دخالت دوباره آمریکا را در امور ایران موجب شود، پاسخ مثبت داد. وی گفت آنها احساس میکردند که دولت موقت بازرگان اندیشه بازگشت شیوه‌های گذشته را در سر می‌پروراند. تقابل بازرگان به بررسی کوشش‌های آمریکا برای استقرار دوباره مناسبات با ایران از نظر عناصر تندرو غیر قابل قبول است.»

اگر لیبرالهای هم‌نشین با برژینسکی منکر این توطئه‌هاست، برای بازگشت امپریالیسم آمریکا هستند، این زحمت «جزیری» را بخود بدهند، و برای روشن شدن اذهان مردم، پروتکل ملاقات با برژینسکی را منتشر سازند!

طی دو روز گذشته: ضربات سنگینی بر دشمن وارد آمد

در ادامه نبرد بین دلاوران انقلاب و نیروهای متجاوز سدامی، طی دوروز گذشته ضربات سنگینی بر ریکر دشمن وارد آمد.

بر اساس اطلاعیه شماره ۴۲۰ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روز ۸ اسفند ماه ۵۹، بر اثر اجرای آتش یکبارگی از سوی نیروهای مسلح خودی در جبهه‌های آبادان و خرمشهر، سه تانک، یک جنگ‌افزار ضد هوایی، ۵ لودر، یک خودروی مهمات، یک خودروی حامل سوخت، یک انبار مهمات، یک خودروی نظامی، یازده سنگر اجتماعی، دو سنگر انفرادی و سه موضع دیده‌بانی دشمن منهدم شد و عده‌ای از افراد ارتش عراق کشته و مجروح شدند.

در عملیات دیگری که در همین مناطق انجام شد، یک تانک، یک توپ، یک خمپاره‌انداز، یک انبار مهمات دشمن به آتش کشیده شد و تن از تجاوزگران سدامی به هلاکت رسیدند و عده‌ای نیز زخمی شدند.

بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

چماقداری ...

چماقداران اعتراض کنند. ما از همان نخستین روزهای پس از انقلاب به هواداران صدیق انقلاب هشدار دادیم که چماق-داری در خدمت ضد انقلاب و رهبری آن بطور عمده در دست وابستگان پسه رژیم سابق و شیطان بزرگ است و هدف «چماقداری» نیز تفرقه افکنی در بین نیروهای مومن به انقلاب است. اگر از همان ابتدا از رشد این پدیده جلوگیری میشد، کار پایتخت نمی کشید که چماق-داری هفته ها موضوع اصلی بحث روزنامه ها باشد.

سازمان دهنده اصلی چماقداری ضدانقلاب و ساواک است. این دیگر تردیدناپذیر است. ولی پدیده چماقداری در ذهن برخی از عناصر ناآگاه، ولی مومن به انقلاب نیز متأسفانه ریشه دوانده است. دشمن تخم اهریمنی خود را کاشته است و اکنون با حوصله و صبر در انتظار بشر رسیدن آنست. لذا نمی توان با چماقداری تنها از طریق مداخله نیروهای انتظامی مبارزه کرد. باید به آن جوانان فریب خورده، که راه حل تمام مسائل اجتماعی را در کاربرد چماق جستجو میکنند، فهماند که ضدانقلاب صداقت آنان را به بازی گرفته و آنان را به آلت دست خود برای ایجاد شکاف در جامعه انقلابی ایران تبدیل کرده است. این خدمت به ضدانقلاب است و نه به اسلام یا ایران، که عده ای بریزند سر و مغز دیگران را بکوبند، سازمانی را اشغال کنند، یا دهکای را آتش بزنند و تمام کسانی را که ناظر این حرکت وحشیانه هستند، به نظام جمهوری اسلامی ایران و انقلاب بدبین کنند، در جامعه انقلابی بسود دشمن شکاف بیندازند و کار شیطان بزرگ را آسانتر کنند. متأسفانه تنها برخی جوانان نیستند که با اینگونه اقدامات خود مستقیم و غیرمستقیم بدشمن کمک میسازند. برخی از سالمندان بی تجربه و ناآگاه در مسائل اجتماعی نیز در صف این

گونه جوانان گام بر میدارند. باید با این تصور ساده لوحانه که می توان با کوفتن چماق بر فرق کسی، فکری را از سر او بیرون کرد، با تمام نیرو مبارزه کرد. باید آزاد اندیشی و تحمل افکار و عقاید دیگران را در کسانی که در دوران شاهنشاهی در جهل کامل سیاسی نگاه داشته شده اند، تقویت کرد. سطح آگاهی سیاسی آنان را بالا برد، تا بتوانند خواسته های خود را نه از طریق چماق، بلکه از راه شرکت موثر در نهادهای انقلابی و انتخابات شوراها و مجلس شورای اسلامی و سایر سازمانهای اجتماعی و سیاسی از پیش ببرند. جهل سیاسی نه تنها در این مورد، بلکه در همه جال برای فعالیت ضد انقلاب زمینه اجتماعی فراهم میسازد و چه بهتر که گویندگان و نویسندگان، زبان و قلم خود را در راه پراکنده کردن آبرو به تیره جهل بکار برند و آنرا به چماق برای کوبیدن بر سر یکدیگر مبدل نکنند. اگر ما در این راه موفق شدیم، آنوقت بسادگی میتوان سازمانده اصلی چماقداری، ضدانقلاب و ساواک را شناخت، شناساند و سرکوب کرد.

بقیه از صفحه ۱

نتایج کار خود واقف نیستند. اگر چنین بود، این پدیده، علیرغم گفته های مکرر امسالم خمینی، رئیس جمهور، آیت الله منتظری، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس مجلس شورای اسلامی، دانشمندان کل کشور، امام جمعه تهران و وزیر کشور و... بصورت یکی از معضلات کنونی کشور در نمی آمد. سازمان دهندگان چماقداری خوب میدانند که چه میکنند و در کارشان نیز متأسفانه تاکنون موفق بوده اند.

چماقداران در برافروختن آتش اختلاف در بین گروه های سیاسی و محافل و جناح های مختلف نقش مهمی داشته اند. اگر حوادث کردستان، میتینگ امجدیه، وقایع دانشگاه، هجوم به مراکز دفاتر احزاب و روزنامه ها و حملات اخیر به سخنرانی های شخصیت های دولتی و اجتماعی را از نظر بگذرانیم، میتوانیم هدف مشخصی را که رهبران چماقداری دنبال کرده و میکنند، به آسانی تشخیص دهیم. اینکه کسانی در کردستان بهر دو طرف تیراندازی میکردند، در امجدیه بر دو طرف سنگ می انداختند، در دانشگاه هر دو طرف را تحریک میکردند و در سخنرانی های اخیر در آن واحد له و علیه یک نفر شعار میدادند، بروشنی ثابت میکند که سران چماقداری می کنند و آن ایجاد تفرقه و رویارویی در میان نیروهای هوادار انقلاب است. هستند افراد، گروه ها و دسته هائی، که بلحاظ مواضع عینی و ذهنی خود و یا پدیده های وابستگی هایشان به امپریالیسم ضدانقلاب، بقول امام خمینی، «چماق زبان» و «چماق قلم» را در همین راه بکار میبرند. همین چماقداران زبان و قلمند که برای چماقداران عرصه را باز، و زمینه فکری فراهم میسازند.

جنگ «سرد» مقدمه جنگ «گرم» است و این جنگ زبان و قلم را نیز بطور عمده همان هواداران بازگشت امپریالیسم و احیاء سرمایه داری دامن میزنند، فرق نمیکند که زین نقاب مائوئیستی با شمارهای چپ نما پنهان شوند یا با پرچم «آزادی» ب میدان بیایند و یا مبارزه با «چماقداری» را برای عمیق کردن اختلاف در میان نیروهای هوادار انقلاب علم کنند.

آنروز که «چماقداران» برای نخستین بار، پس از انقلاب، چماق خود را بر سر حزب ما فرود آوردند، ما فریاد کشیدیم که هدف چماقداری تنها ما نیستیم و این رشته سر دراز دارد و نباید بیچسب اجازه داد که بتواند از احساسات پاک عده ای ناآگاه، برخلاف منافع انقلاب، در جهت تفرقه افکنی استفاده کند. چماقداران دهها بار به دفاتر، کتابخانه ها و سازمانهای حزب توده ایران حمله کردند و یک نفر از میان آقایان مدافع «آزادی» جسارت اینرا در خود نیافت که بنام صداقت و «قانون اساسی» و «آزادی» به عمل

توطئه های امپریالیسم ...

بقیه از صفحه ۱

گروه های مائوئیستی - آمریکایی هم در کنار ضدانقلابیون مسلح، علیه نهاد های انقلابی و بویژه سپاه پاسداران به فعالیت مشغولند. گروهک ضدانقلابی «پیکار» که سابقه «درخشانی» در پیکار با توده ها به نفع آمریکا دارد، در ورق پاره های خود از سبایان بعنوان «حامیان سرمایه» و «تروریستهای رژیم» نام می برد و مردم را علیه این نهاد انقلابی تحریک می کند. این گروهک ضدانقلابی در زمانی که مزدوران مسلح ضدانقلاب، پاسداران را به رگبار مسلسل می بندند، آنها را «تروریست» می نامد و بدین گونه به کشتار جنایتکارانه ضدانقلاب صحنه می گذارد.

قاچاق ارز، اسلحه و مواد مخدر

قاچاق ارز، اسلحه و مواد مخدر، که با استفاده از مرز پاکستان و پامپتفتنگاران خانها و قنودالهای منطقه و نیز شرکت تجار بزرگ و مزدوران افغانی صورت می گیرد، از فعالیت های دیگر ضدانقلاب در این استان است. آمار و ارقامی که از سوی نهادهای رسمی در سطح استان منتشر شده، از نحوه فعالیت ضدانقلاب در این زمینه بهره میبرد. براساس اطلاعات منتشر شده، مامورین کلاتری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر در زاهدان، در ۲۳ آذر ۵۹، ۴ کیلو و ۴۰۰ گرم حشیش را از ۳ قاچاقچی معروف منطقه کشف کردند. در ۱۳ دی ۵۹ نیز مامورین پاس گاراهای مسافربری، که در محدوده کلاتری بخش ۲ زاهدان فعالیت می کنند، ۵ کیلو و ۴۹۰ گرم حشیش را کشف و ضبط کردند. همچنین در ۱۶ دی ۵۹ مامورین کلاتری بخش ۲ این شهرستان، ۴ کیلو و ۲۸۰ گرم تریاک از قاچاقچیان بدست آوردند و قاچاقچیان را تحویل دادگاه انقلاب اسلامی دادند. در همین زمینه، مامورین کلاتری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر، ۹۵ گرم هروئین و ۴۹ گرم شیره تریاک را کشف کردند و از یک افغانی بنام غلام حضرت، ساکن قندهار ۴ کیلو و ۸۰۰ گرم حشیش بدست آوردند. زاندارمری ناحیه ۱۱ سیستان و بلوچستان نیز در گزارش فعالیت آذرماه ۵۹ خود، از کشف ۵۰ کیلو و ۷۴۴ گرم تریاک و حشیش و مقادیر زیادی سیگار، مشروب، پارچه، ساعت، قند

بقیه از صفحه ۱

اهمیت حیاتی دارد، عدم تعیین سرپرستان این دو وزارتخانه مهم، عملا سکون سیاست های اقتصادی، بازرگانی و مالی جمهوری اسلامی ایران را در دست لیبزها و مدافعان سرمایه داری بزرگ و وابسته که دو سال است مواضع محکمی را در این دو وزارتخانه در دست دارند، باقی میگذارد. چنین وضعی مجموعه اقتصاد کشور و زندگی و کار زحمتکشان را به مخاطره می افکند، و این چیزی نیست جز تضعیف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

بیشک هیچکس باور نخواهد کرد که پس از گذشت قریب به ۶ ماه از تشکیل کابینه، ۳ «آدم» مناسب در میان ۳۵ میلیون ایرانی برای اداره این سه وزارتخانه مهم یافت نشده اند. در واقع همانگونه که شواهد نشان میدهند، مساله نه برسر «آدم» مناسب، بلکه برسر خط مشی های متضاد و سیاستهای گوناگون است.

امافرت برای حل اختلاف نظر برسر «آدم»، حتی در موارد کم اهمیت تر نیز نامحدود نمیتواند باشد، چه رسد به مساله ای تا به این حد پر اهمیت و از نقطه نظر

و ... و مقادیر زیادی پول عربستان سعودی، پول افغانی و پول پاکستانی و نیز ۲ میلیون و ۹۷۰ هزار ریال پول رایج ایران، خبن داده است. شهرتانی زاهدان هم روز سوم دی ماه ۵۹، در شرح فعالیت ۴ ماه گذشته خود، از مقادیر زیادی سلاح های مختلف نظیر اسلحه گمری، ژ-۳، یوزی، برنو، خشاب و تیر فشنگ، که توسط مامورین این شهرتانی کشف شده است، خبر داد.

در همین گزارش به دستگیری ۱۳۹ نفر از قاچاقچیان این سلاحها اشاره شده است. اخبار فوق بروشنی نشان میدهند که قاچاقچیان فعالیت خود را در تمام زمینه ها بطور همه جانبه ای افزایش داده اند.

توطئه ایجاد درگیری بین شیعه و سنی

خوانین، روحانی نماها، مزدوران افغانی و تمام گروه های ریز و درشت ضدانقلابی در این منطقه، در کنار تمام توطئه های خود، به ایجاد جو متشنج میان اهالی شیعه و سنی محل دست میزنند. آنها با اقدامات تحریک آمیزی نظیر حمله به مساجد و کتابخانه های اهل سنت یا اهل تشیع، و انتشار تشریاتی که در آن مراسم مذهبی پیروان تشیع یا تسنن به مسخره گرفته شده است، سعی می کنند تا پیروان این دو مذهب را بجان یکدیگر بیندازند و هیزم بیار آتش کینه و عداوتی باشند که خود ایجاد کرده اند. عبرت آموز است که در همین تشریاتی که به نفاق افکنی مشغولند، سخنان برهان الدین ربانی، رهبر آمریکایی «مبارزین افغانی»، که سابقه دست بوسی سادات خائن را نیز دارد، چاپ و تبلیغ می شود.

این حوادث نشان میدهد که توطئه ایجاد درگیری بین اهل سنت و اهل تشیع، که در کنفرانس آمریکائی طاقه نیز مطرح شد و امام خمینی، رهبر انقلاب، برای خنثی کردن آن همه اهالی شیعه و سنی کشور را به هوشیاری دعوت کردند، همچنان در دستور روز ضدانقلاب وابسته به آمریکا قرار دارد.

چه باید کرد؟

برای مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش چه باید کرد؟ پاسخ به این سؤال بویژه از آن جهت مهم است که منطقه سیستان و بلوچستان

دارای اهمیت سیاسی و نظامی ویژه ای است و چنانکه از اخبار برمی آید، امپریالیسم آمریکا و رژیم های دست نشانده اش در منطقه، نظیر پاکستان و عمان، درصدد گشودن جبهه جدیدی در سیستان و بلوچستان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اند.

به نقل ما، برای خنثی کردن این نقشه های شوم شیطان بزرگ و رژیم های دست نشانده اش در منطقه و ضدانقلاب پرورده اش در داخل کشور، مقامات مسئول استان، استانداری، سپاه پاسداران، شهرتانی و ژاندارمری باید بطور قاطع و همه جانبه پی گیری اقدامات زیرین را انجام دهند.

- ۱- کنترل دقیق مرزها و بخصوص مرز پاکستان و جلوگیری از ورود مزدوران افغانی، که برای خرابکاری و تحریک و قاچاق به ایران اعزام می شوند.
- ۲- دستگیری و مجازات قاچاقچیان پول، اسلحه و مواد مخدر.
- ۳- مبارزه قاطع با خوانین و قنودالها و دارورده مستلح آنان و خلع سلاح آنان.
- ۴- اجرای هر چه سریعتر قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب در این ناحیه.

۵- سرکوب دستجات راهزن و خرابکار، که با ایجاد ناامنی و هرج و مرج در جاده ها و شهرها، به کشتار پاسداران و دیگر نیروهای مسلح پرداخته اند و زمینه را برای درگیری و تشنج فراهم می آورند.

۶- رسیدگی به نیازهای متعدد مردم محروم این ناحیه از کشور و اقدام سریع جهت رفع آنها.

۷- خنثی کردن تبلیغات ضدانقلابی گروه های مائوئیستی - آمریکائی و تمام دستجات و گروه های که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تبلیغ و تلاش می کنند که مسیر مبارزه توده ها را از مبارزه با دشمن اصلی - شیطان بزرگ، منحرف سازند.

هشیاری و برخورد سریع و قاطع مقامات مسئول مرکز و استان به توطئه های ضدانقلابی، برخورد سریع و قاطع مقامات مسئول مرکز و استان به مسائل و مشکلات زحمتکشان و مردم محروم و بیداری و اتحاد مردم و نیروهای انقلابی استان سیستان و بلوچستان، خواهد توانست توطئه های امپریالیسم آمریکا و رژیم های دست نشانده اش در منطقه و ضدانقلاب پرورده اش در داخل کشور را خنثی کند و راه را برای نوسازی بسود زحمتکشان هموار سازد.

برای مردم تعلل در تکمیل کابینه نامفهوم و غیر قابل دفاع است

- جمع آوری شده در عروسی ی. د دولقه انگشتر
- پهروز از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- محمود شهریاری از شیراز ۱۵۰۰۰ ریال
- کمک سازمان حزب در بندرگز ۱۱۱۵۰ ریال
- کمک به حزب محمد زین بندرگز ۳۰۰۰ ریال
- کمک سازمان حزب در گرگان ۴۴۰۰۰ ریال
- کمک یک راننده تاکسی از گرگان ۱۰۰۰ ریال
- کمک فروزان. پ. از گرگان ۴۷۰ ریال
- فرامرز جنوب ۱۰۰۰۰ ریال
- ش از بندر عباس ۱۰۰۰ ریال
- شهره. ز ۵۰۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قتی کمی منشی و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی پیردازنده

مصلح انقلاب، حیاتی. بنظر ما، رئیس جمهور، دولت و مجلس شورای اسلامی به درجرات مختلف در این زمینه در برابر مردم مسئولند و باید این گره حساس را هر چه سریعتر، نه با در نظر گرفتن منافع و نقطه نظر های شخصی و گروهی، بلکه با توجه به مصالح حیاتی انقلاب، بکشایند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید هر چه سریعتر با انتصاب یک مسئول متعهد و انقلابی، در جهت تحکیم جبهه مدافعان انقلاب ایران و مقابله با توطئه های امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، فعال شود و وزارتخانه های اقتصاد و دارائی و بازرگانی نیز باید هر چه سریعتر بدست سرپرستانی سپرده شود که با برنامه های سنجدیده، بنیه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را تقویت کنند و بسود زحمتکشان و محرومان و علیه غارتگران و مستکبرین، عمل نمایند.

تکمیل هر چه سریعتر کابینه با وزرای متعهد و انقلابی و سیاست درست و انقلابی، ضرورت مبرم روز است.

هم استقلال هم دوستی، نه وابستگی نه انزوا

سرمقاله نویسنده "انقلاب اسلامی" ادعا می کند که ما گویا طرفدار قطع رابطه با غرب هستیم. نه! ما طرفدار قطع وابستگی هستیم نه قطع رابطه. منتهی تا رابطه ما با آمریکا رابطه وابستگی است، "این رابطه را می خواهم چه کنیم؟" شما هم اگر عالمای و عامدان به جای واژه وابستگی، "رابطه" گذاشته اید، پس می خواهید سفسطه کنید و سیاست اصولی ما را تحریف کنید و غیر عملی و نشدنی جلوه گر سازید. اگر هم ناخودآگاه و سهواً چنین اشتباهی کرده اید، خود نشان آن است که برای شما رابطه داشتن با آمریکا و غرب به معنای وابستگی است و در مخیله شما هیچ نوع رابطه دیگری جز رابطه وابستگی نمی گنجد.

سرمقاله نویسنده "انقلاب اسلامی" یکجا هم، بکلی بی اختیار، "معقول و میانرو" می شود، "قابل مذاکره و منطقی" می شود و دنبال "قرار داد منصفانه" با آمریکا می گردد و بالاخره جان کلام را، که آن همه بر روانش سنگینی می کرد، بروز می دهد و می نویسد:

در سیاست خارجی فریب گروه های وابسته، یعنی قطع رابطه با غرب را نخوریم، که این سیاست لاجرم ما را به دامان شرقی کشاند! باید گفت: خیالتان جمع باشد! مردم ایران فریب لیبرال ها را، زیر هر نام و عنوانی به میدان آیند، نخواهند خورد، زیرا که سیاست اینان لاجرم انقلاب ما را به اودادی فنا می کشاند.

سرمقاله "انقلاب اسلامی" پیدا است که معجونی است از انواع نظریات لیبرالی و مائوئیستی، که تحلیلی به کلی غیرواقعی و نادرست از انقلاب ایران و موقعیت بین المللی آن به دست می دهد. نتیجه مستقیمی که از آن ناشی می شود اینست که اگر چه برای وزن شعر در یک جا از دشمن اصلی ما آمریکا هم نام برده می شود، ولی هشدار می دهد که: "امپریالیسم غرب به علت سابقه سی ساله اش برای مردم ایران شناخته شده است." بنا بر این "روسیه" می ماند که دشمن است و ناشناخته، پس بسی خطرناکتر! می بینید که محتوای نظریه معروف "سه جههان" مائوئیستی، چه آسان، با زتاب خود را در سرمقاله روزنامه ای که نام انقلاب و اسلام بر خویش دارد، پیدا کرده است.

سرمقاله نویسنده "انقلاب اسلامی" با نثار ناسزاها و طرح ادعاهای دروغ درباره حزب توده، ایران، سخت از این که ما درک خودمان را از "استقلال" بیان کرده ایم، آشفته شده و نوشته است:

"حزب توده ایران... این روزها در روزنامه خود به آقای بنی صدر، که بخش مهمی از فعالیت های علمی و مبارزاتی خود را در جهت شناخت ساز و کارهای سلطه و روش مبارزه با آن را تصدیق کرده اند درس استقلال می دهد..."

از قرار "گناه غیرقابل بخشایشی" انجام گرفته است که یک حزب سیاسی مانند حزب توده ایران، یعنی حزبی با سابقه چهل ساله و تجربه ای بس غنی، که به قیمت خون گروه عظیمی از بهترین فرزندان خلق به دست آمده، حزبی که مظهر تفکر جمعی، اظهار نظر جمعی و تصمیم جمعی است، بر اساس مبنای اصولی و انقلابی خود و با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم، انقلاب و میهن خویش، در باره مسائل مللکونی، آن هم مهمترین مسئله کنونی جامعه ما - استقلال - نظر، برداشت و درک خود را بیان کرده است!

ولی پس کو آن ادعای "آزادی خواهی"؟! این چه نوع آزادی است که وقتی حزب توده ایران عقاید خود را بیان می کند، باید با چماق های گوناگون دهانش را بست؟! گو این که نقد است که از چنین حزبی درس گرفت، ولی ما البته قصد درس دادن به کسی را نداریم. ما

دربارۀ استقلال و وابستگی، دوستان و دشمنان انقلاب

پیرامون سرمقاله

روزنامه

«انقلاب اسلامی»

مورخ

۲۰ بهمن ماه ۵۹

۲

گویا ابرقدرت ها (آمریکا و روسیه!) روش مشابه و سیاست مشابهی در برابر انقلاب ایران دارند و گویا برای مقابله با امپریالیسم آمریکا، کشور ما وابسته و استقلال ما را نابود کرده بود، زیرا آنچه میبایست ریشه کن شود، درست همین وابستگی همه جانبه با امپریالیسم آمریکا بود، که بتدریج، در نیم قرن اخیر، و بویژه در دوران سلطه سوم ۲۵ ساله محمدرضا، به دشمن اصلی مردم ایران و استقلال شکن شماره یک

۱- در واقع هم اساسی ترین و عمده ترین خواست مردم ایران در انقلاب بزرگ خود استقلال بود. عمده ترین وظیفه های که این انقلاب داشت و دارد، ریشه کن کردن همه عوامل و ایجاد وابستگی و استقرار کامل و بی خدشه استقلال در همه شؤون سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی و غیره است. خصلت عمده انقلاب ما هم، از همین رو، خصلت ضد امپریالیستی آن است. این حقیقت نه فقط برای "دوران قبل از انقلاب"، که برای امروز هم صادق است.

انگیزه هم اگر این خصلت از انقلاب سلب شود، نیست خواهد شد و دیگر از آن تنها به عنوان یک واقعه تاریخی گذشته می باید یاد کرد. ولی چون انقلاب ما زنده است و پیوسته و در راه استقلال می ریزد و قطع وابستگی ها را می طلبد، واقعیت شکوه مند عصر ما باقی است و باقی خواهد ماند. استقلال،

این خواست عمده مردم ایران، باید تمام و کمال به کرسی بنشیند و همه جنبه های وابستگی را از بین ببرد، تا انقلاب به پیروزی قطعی و نهایی برسد. هرگونه جان شیرین کردن شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" با شعار "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی"، که رسم اغلب نویسندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" است، هرگونه سرپوش گذاشتن بر عمده ترین خواست مردم ایران و کوشش برای "اعتدال و میانه روی"، که زمینه ساز سازش و تسلیم است، هرگونه ممانعت با امپریالیسم برای باقی نگه داشتن رشته های آشکار یا پنهان وابستگی، زیر هر عنوانی، با انقلاب مغایر است.

۲- در واقع هم، طرح این شعار

از جانب مردم ما در دوران انقلاب "مقابلۀ رودر رو با منافع آمریکا" بود، زیرا امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، کشور ما را وابسته و استقلال ما را نابود کرده بود، زیرا آنچه میبایست ریشه کن شود، درست همین وابستگی همه جانبه با امپریالیسم آمریکا بود، که بتدریج، در نیم قرن اخیر، و بویژه در دوران سلطه سوم ۲۵ ساله محمدرضا، به دشمن اصلی مردم ایران و استقلال شکن شماره یک بدل شده بود. در آن زمان، یعنی در دوران قبل از انقلاب، هر شعار انحرافی آبی بود که به آسیاب آمریکا ریخته میشد، و میلیون ها مردمی که یکدل و یک زبان فریاد میزدند: "بعد از شاه نوبت آمریکاست"، بدرستی میدانستند که دشمن اصلی در کجاست و عمده نیرویی که میهن ما را وابسته کرده کیست و زنجیرها را در کجا باید قطع کرد. این حقیقت نه فقط برای "دوران قبل از انقلاب"، که برای امروز هم صادق است.

انگیزه هم اگر این خصلت از انقلاب سلب شود، نیست خواهد شد و دیگر از آن تنها به عنوان یک واقعه تاریخی گذشته می باید یاد کرد. ولی چون انقلاب ما زنده است و پیوسته و در راه استقلال می ریزد و قطع وابستگی ها را می طلبد، واقعیت شکوه مند عصر ما باقی است و باقی خواهد ماند. استقلال،

این خواست عمده مردم ایران، باید تمام و کمال به کرسی بنشیند و همه جنبه های وابستگی را از بین ببرد، تا انقلاب به پیروزی قطعی و نهایی برسد. هرگونه جان شیرین کردن شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" با شعار "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی"، که رسم اغلب نویسندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" است، هرگونه سرپوش گذاشتن بر عمده ترین خواست مردم ایران و کوشش برای "اعتدال و میانه روی"، که زمینه ساز سازش و تسلیم است، هرگونه ممانعت با امپریالیسم برای باقی نگه داشتن رشته های آشکار یا پنهان وابستگی، زیر هر عنوانی، با انقلاب مغایر است.



برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

برخی "زیاد مریه ها" خودداری شود. حرف آنها این بود، که "اگر مستقل شویم، بدامان روسیه خواهیم افتاد!" اگر رشته های پیوند با آمریکا را قطع کنیم، باید رشته های پیوند با روسیه را برقرار کنیم! در فکر آنها، هیچ رابطه ای جز رابطه وابستگی نمیتوانست بگنجد. آنها میگفتند "پس ما که نمیتوانیم و نباید مستقل شویم، بهتر است به چاه کونینس (ک) در نیفتیم. همین چاله (ک) وابستگی به آمریکا بهتر است!" مخالفت آنان با شعار استقلال طلبانه مردم، با بهانه شوروی - ستیزی، مخالفتی بود با انقلاب ایران و با گوهر اصلی آن. این حقیقت نه فقط برای "دوران قبل از انقلاب"، که برای امروز هم صادق است.

انگیزه هم اگر این خصلت از انقلاب سلب شود، نیست خواهد شد و دیگر از آن تنها به عنوان یک واقعه تاریخی گذشته می باید یاد کرد. ولی چون انقلاب ما زنده است و پیوسته و در راه استقلال می ریزد و قطع وابستگی ها را می طلبد، واقعیت شکوه مند عصر ما باقی است و باقی خواهد ماند. استقلال،

این خواست عمده مردم ایران، باید تمام و کمال به کرسی بنشیند و همه جنبه های وابستگی را از بین ببرد، تا انقلاب به پیروزی قطعی و نهایی برسد. هرگونه جان شیرین کردن شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" با شعار "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی"، که رسم اغلب نویسندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" است، هرگونه سرپوش گذاشتن بر عمده ترین خواست مردم ایران و کوشش برای "اعتدال و میانه روی"، که زمینه ساز سازش و تسلیم است، هرگونه ممانعت با امپریالیسم برای باقی نگه داشتن رشته های آشکار یا پنهان وابستگی، زیر هر عنوانی، با انقلاب مغایر است.

انگیزه هم اگر این خصلت از انقلاب سلب شود، نیست خواهد شد و دیگر از آن تنها به عنوان یک واقعه تاریخی گذشته می باید یاد کرد. ولی چون انقلاب ما زنده است و پیوسته و در راه استقلال می ریزد و قطع وابستگی ها را می طلبد، واقعیت شکوه مند عصر ما باقی است و باقی خواهد ماند. استقلال،

این خواست عمده مردم ایران، باید تمام و کمال به کرسی بنشیند و همه جنبه های وابستگی را از بین ببرد، تا انقلاب به پیروزی قطعی و نهایی برسد. هرگونه جان شیرین کردن شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" با شعار "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی"، که رسم اغلب نویسندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" است، هرگونه سرپوش گذاشتن بر عمده ترین خواست مردم ایران و کوشش برای "اعتدال و میانه روی"، که زمینه ساز سازش و تسلیم است، هرگونه ممانعت با امپریالیسم برای باقی نگه داشتن رشته های آشکار یا پنهان وابستگی، زیر هر عنوانی، با انقلاب مغایر است.

انگیزه هم اگر این خصلت از انقلاب سلب شود، نیست خواهد شد و دیگر از آن تنها به عنوان یک واقعه تاریخی گذشته می باید یاد کرد. ولی چون انقلاب ما زنده است و پیوسته و در راه استقلال می ریزد و قطع وابستگی ها را می طلبد، واقعیت شکوه مند عصر ما باقی است و باقی خواهد ماند. استقلال،

این خواست عمده مردم ایران، باید تمام و کمال به کرسی بنشیند و همه جنبه های وابستگی را از بین ببرد، تا انقلاب به پیروزی قطعی و نهایی برسد. هرگونه جان شیرین کردن شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" با شعار "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی"، که رسم اغلب نویسندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" است، هرگونه سرپوش گذاشتن بر عمده ترین خواست مردم ایران و کوشش برای "اعتدال و میانه روی"، که زمینه ساز سازش و تسلیم است، هرگونه ممانعت با امپریالیسم برای باقی نگه داشتن رشته های آشکار یا پنهان وابستگی، زیر هر عنوانی، با انقلاب مغایر است.

شرکت دخانیات ایران یکی از بخش های مهم کشاورزی-صنعتی و اقتصادی کشور است. از مهم ترین واحدهای این بخش مهم اقتصادی، واحد صنعتی آن شامل کارخانجات آماده سازی برگ توتون در شهرستان های گرگان، ساری، رشت و ارومیه و کارخانه های تهیه تنباکو و توتون چیق و نیمکوب در اصفهان و سقز و واحد بزرگ صنعتی تولیدی ساخت انواع سیگار در مرکز است.

در مجموع این بخش بزرگ اقتصادی نزدیک به سی هزار کارگر و ده هزار کارگر و کارمندی را مشغول خود دارد. پنج هزار نفر عامل فروش در سراسر کشور، توزیع فرآورده های دخانیاتی را بر عهده دارند. بزرگترین واحد صنعتی شرکت دخانیات ایران، مجتمع بزرگ صنعتی کارخانجات های مرکز است، که تنها واحد تولید انواع سیگار در سطح کشور است. در این مجتمع بزرگ صنعتی، شامل کارخانجات چاپ و گرا و رسازی، کارتن سازی، جعبه سازی، درودگری، برق و بخار و تهویه، تعمیرات و نوسازی قطعات، انبارهای فنی و انبارهای نگهداری کالای خام و تهیه و تولید انواع سیگار و بسته بندی، نزدیک به سه هزار دو بیست کارگر کار می کنند. که اکثر آنان را کارگران مرد تشکیل می دهند. تعداد کارگران زن شاغل در قسمتهای مختلف کارخانه ها نزدیک به ۳۲ نفر است. علاوه بر این تعداد کارگر، حدود نهمصد نفر کارمند زحمتکش هم در سازمان های مختلف شرکت دخانیات ایران در مرکز، مشغول بکارند.

وسعت کارخانه ها، تعداد کارکنان (کارگر و کارمند) تنوع و کیفیت کار (کشاورزی-صنعتی و اقتصادی) نشان دهنده اهمیت این بخش اقتصادی است، که در عین حال، مستلزم توجه بیشتر به وضع کارکنان در این واحد بزرگ صنعتی و مرتبطین (کشاورزان و پیشه وران) باین رشته صنعتی در جامعه نیز هست.

کشت و صنعت دخانیات در دوران طاغوت

سیاست رژیم پهلوی در مورد کشت و صنعت دخانیات، مانند سایر رشته های کشاورزی و صنعتی، بر اصل وابستگی کامل استوار بود. کشاورزی و صنعت دخانیات، که تا پانزده سال قبل، علاوه بر آنکه خود کف بود، آمادگی برای صدور کالای خام و فرآورده های حاضر به مصرف دخانیات را نیز داشت، در سالهای آخر عمر رژیم طاغوتی، بیش از پنجاه درصد مصرف داخلی کشور، بصورت ساخته شده از خارج وارد می شد و بدین ترتیب، علاوه بر خروج مبلغ قابل ملاحظه ای ارز کشور، مزارع کشت توتون نیز به ویرانی کشیده شد و کارگران ایرانی نیز بیکار شدند. محصول توتون ایران، که در سال ۱۳۴۴ بیش از بیست هزار تن و در سال ۱۳۵۱ نزدیک به بیست هزار تن بود، در سال ۱۳۵۷، یعنی در سال پایانی عمر رژیم طاغوت، اندکی از هشت هزار تن تجاوز کرد. در برابر این کاهش محصول، که نمودار سقوط کشاورزی کشور و از دست رفتن فروش انواع سیگار خارجی، که در سال ۴۵ تقریباً صفر بود، در سال ۵۱ نزدیک به ۴۶۰ میلیون نخ و در سالهای آخر عمر رژیم پهلوی، در نتیجه این سیاست خائنانه برانداز و مملکت بر باد ده به میزانی نزدیک به ۱۲ میلیارد نخ بالغ شد، که این مقدار نزدیک به نصف مصرف داخلی بود.

وابستگی دخانیات به منابع امپریالیستی

در نتیجه سیاست کلی وابستگی به کشورهای امپریالیستی، صنعت دخانیات ایران در رژیم سرنگون شده پهلوی، تماماً به خارج وابسته بود. کلیه مواد خام مصرفی، غیر از برگ توتون، از کشورهای خارجی خریداری میشد و هرگونه طرح و پروژه ای که از طرف افراد دلسوز برای قطع وابستگی ها تهیه و ارائه میشد، در نطفه خفه میگردد. کلیه استعدادها و ابتکارات، بر اثر بی اعتنائی دستگاهی اشرافیانه، با وجود

مجهز بودن کارخانه به ماشین و کارگران ورزیده، به کارگران برای ساختن قطعات یدکی میدان داده نمیشد، و بدین ترتیب، ساده ترین قطعات ماشین، با هزینه گزاف، از کشورهای امپریالیستی وارد میشد. با اینکه کارگران و متخصصین ایرانی همیشه آمادگی خود را برای اداره این صنعت اعلام میکردند و بارها شایستگی خود را در زمینه های مختلف و در ارتباط با کارهای فنی روزمره بثبوت رساندند، مع الوصف سعی در این بود که این افراد در بی خسری صنعتی نگه داشته شوند. در موارد مختلف از کارشناسان کشورهای امپریالیستی، که رغبتی برای آموزش کارکنان ایرانی نشان نمی دادند، استفاده میشد، و بدین ترتیب، سعی در این بود که این موسسه بزرگ صنعتی همیشه وابسته و محتاج به کشورهای امپریالیستی باقی بماند.

دخانیات پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، که کارگران دخانیات هم در آن سهمی داشته اند، انتظار میرفت که در همه زمینه های مربوط به دخانیات تحولات بنیادی بوجود آید. ولی اینک که دو سال از پیروزی انقلاب میگذرد، متأسفانه هنوز هم روال گذشته در این واحد بزرگ صنعتی برقرار و حکم فرماست. نظام داخلی کارخانه، بر اثر تبعیض ها و دوگانگی هایی که تخم آن در رژیم

بودند، در این مرحله از مبارزات، مصرا خواستار ریشه کنی این مظهر امپریالیستی در دخانیات بودند. متأسفانه اجابت این درخواست میهنی کارگران و کارمندان مدتی بطول انجامید و خیانت رژیم گذشته در نگهداشتن این موسسه بزرگ در سطح عدم خود کفائی اتخاذ تصمیم در این زمینه را با مشکلاتی مواجه ساخت. به لحاظ وجود همین مشکلات و عدم تصمیم گیری به موقع مسئولان فعلی شرکت، باز مصرف کالاهای دخانیاتی دچار کمبود و آشفتگی وحشتناکی شده، که کارکنان آدامه دارد.

اخیراً برای رفع کمبودها و تأمین مصرف داخلی، قراردادی با کشور سوئیسالیستی بلغارستان منعقد شد، که بر اساس آن، با همکاری بلغارستان و با استفاده از تکنولوژی این کشور، سیگارتی بنام "ژادی" ساخته و به بازار عرضه شد و سیگارت دیگری بنام "بهن" نیز وارد بازار شده است. گذشته از این مورد، سیگارت دخانیات ایران در کلیه موارد دیگر به کشورهای امپریالیستی وابسته است، که این وابستگی هنوز ادامه دارد. کشورهای اروپای غربی، که در گذشته عرضه کننده مواد و تجهیزات مورد مصرف دخانیات بوده اند، بدستور آمریکای جهانخوار، دخانیات ایران را سخت تحت فشار اقتصادی قرارداد دادند. آنها در عرضه کالا مشکلات فراوانی

هم به آن اضافه شود، تعداد کارگران شاغل در مرکز نزدیک به سه هزار و دو بیست نفر میشود، که از این تعداد نزدیک به ۳۲۰ نفر زن هستند. کارگران که در شرایط سخت و توافقی بکار اشتغال دارند، با مشکلات و مسائلی روبرو هستند، که اهم آن ها بشرح زیر است:

شورا و سندیکا

تاکنون شورای کارگران در کارخانجات های دخانیات تشکیل نشده و اقدامی هم در این زمینه بعمل نیامده است. کارگران خواستار تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند و عقیده دارند که در صورت تشکیل شورا، مشکلات کارخانه را بطور جمعی و بر اساس تفاهم حل خواهند کرد. و اساساً جلوی بی نظمی ها را خواهند گرفت و به بی سروسامانیها و نارسائی های موجود خاتمه خواهند داد. کارگران همچنین خواهان تشکیل سندیکای واقعی، متشکل از نمایندگان کلیه قسمتها هستند. آنان از اینکه در بعضی موارد مسئولین امر وظایف شورا و سندیکا را با هم مخلوط میکنند، ناراحتند و می گویند که نداشتن سندیکای واقعی همگانی، موجب عدم آگاهی مسئولان امر بشرايط کار و حقوق صنفی آنان است.

در شرکت دخانیات چه میگردد؟

- * نداشتن سندیکای واقعی همگانی، موجب عدم آگاهی مسئولان امر به شرايط کار و حقوق صنفی کارگران است.
- * تاکنون کوچکترین قدمی در زمینه رفع تبعیضات موجود برداشته نشده است.
- * به وضع درمانگاه دخانیات باید سروسامان داده شود.
- * اداره شیرخوارگاه و مهدکودک دخانیات باید با اصول متداول شیرخوارگاهها و مهدکودک های مدرن منطبق باشد.
- * مسکن، مشکل بزرگ کارگران

شرايط کار، دستمزد و مزایا

در شرايط و ساعت کار و دستمزد و مزایای کارگران کارخانه های مرکز، اختلافات فاحشی بچشم می خورد. تبعیضات ناروای حاکم بر محیط کار، موجب ناراحتی بحق کارگران است. میزان دریافتی کارگران، چهار نظر حقوق و چه از نظر مزایای مربوط به شرايط کار، فوق العاده تفاوت دارد و کارگران از این نظر ناراضی هستند. آنها مراتب ناراضی و اعتراض خود را، چه در رژیم گذشته و چه در شرايط بعد از انقلاب، مکرر به اطلاع مسئولین امر رسانده اند، ولی متأسفانه تاکنون کوچکترین قدمی در زمینه رفع تبعیضات موجود در کارخانه و در جهت یکنواخت کردن شرايط ساعت کار و پرداخت میزان دستمزد و مزایای مساوی به کارگران برداشته نشده است. همین امر به میزان قابل ملاحظه ای از آزادی کار کارگران میکاهد. کارگران خواهان رفع تبعیضات موجودند.

پاکسازی در دخانیات

پاکسازی واقعی در دخانیات به هیچ وجه انجام نشده است. مسئولان دخانیات پاکسازی در این واحد بزرگ اقتصادی کشور را به باز نشسته نمودن تعدادی کارمند و کارگر بسنده کرده اند. کار نیمه بر روال عادی بوده است، در حالی که عناصر ضد انقلابی با وقاحت تمام فعالیت خود را تشدید کرده اند و درین کارگران و کارمندان به تحریک و شایعه پراکنی علیه انقلاب مشغولند. مسئولان امر در دخانیات برای نمونه نام یکی از ساواکیها را هم افشان کرده اند. کارگران و کارمندان از خود می پرسند که آیا ممکن است در چنین واحدی، که نزدیک به ده هزار نفر کارگر و کارمند شاغل دارد، یک نفر ساواکی هم در آن وجود نداشته باشد؟ آنان چندی قبل طی طومارهایی که به امضای اکثریت کارگران رسیده است، از مسئولان دخانیات افشای اسامی ساواکیها و پاکسازی دخانیات را از عناصر وابسته به رژیم گذشته و مخالف انقلاب خواستار شدند. ولی متأسفانه تاکنون به این خواست کارگران ترتیب اثر داده نشده است.

مسائل کارگران کارخانه های مرکزی دخانیات

در کارخانه های مرکزی دخانیات نزدیک به ده هزار و هفتصد کارگر بکار مشغولند، چنانچه تعداد کارگران شاغل در انبار مواد خام واقع در نازی آباد

شیرخوارگاه و مهدکودک

به درخواست کارگران زن دخانیات که اکثر آنها بطور کارمندی و با شرايط سنگین بکار اشتغال دارند، از چند سال قبل محلی بنام شیرخوارگاه در محیط کار کارگران تاسیس شده است. هم اکنون نزدیک به چهل نفر از کارگران زن، از ساعت شش صبح، که در محل کار حاضر میشوند، نوزادان خود را به شیرخوارگاه می سپارند. در فاصله زمانی کار روزانه و پس از هر دو ساعت کار، آنها مجازند که جهت رسیدگی و شیر دادن به فرزند خود به شیرخوارگاه بروند. ولی شرايط بدکار موجب میشود که این مادران نتوانند، آنطور که باید و شاید، به وظیفه مادری خود برسند. به لحاظ اینکه دستمزد کارگران بطریق کارمندی پرداخت میشود، عدم حضور آنها در محل کار، موجب ناراضی و گاهی اعتراض دیگران میشود و ما در به منظور عدم مواجهه با این مشکلات بالا جبار وقت کمی را که باید به تروخش کردن و شیر دادن فرزندش ببرد، باز هم کمتر میکند و آنان میزند. با توجه به اینکه شیرخوارگاه در فاصله قابل ملاحظه ای از محل کار کارگران قرار دارد و ترس و خشک کردن اطفال هم عملاً بر عهده مادر گذاشته شده است، کارگران وقت مجاز برای اینکار را کافی نمیدانند و خواهان تجدید نظر در آن هستند.

مهد کودک

مهد کودک دخانیات از چندین پیش شکل صحیح و مناسبی بخود گرفته و امید می رود که با استخدام یک خانم متخصص در امر مهدکودک، وضع آنجا بشکل محیط آبرومندی درآید، که با اصول متداول مهدکودکهای بهداشتی

آموزش و بهداشتی

آموزشی منطبق باشد، و از این راه فرزندان کارگران دخانیات در رفاه باشند و با اصول صحیح نگهداری و بقیه در صفحه ۶

و پرسنل کافی برای مواقع ضروری است. در درمانگاه آمبولانس وجود ندارد. اگر کارگری دچار سانحه گردد، در محل درمانگاه مداوای اولیه هم مقدور نیست و باید منتظر ماند، تا برای انتقال کارگر ملاً به بیمارستان راه آهن آمبولانس به دخانیات بیاید. چه بسا که در فاصله زمانی رسیدن آمبولانس، کارگر سانحه دیده با خطرات غیر قابل جبران مواجه شود. چندی قبل که کارگری در حین کار دچار انفکتوس شده بود، تا رسیدن آمبولانس و انتقال به بیمارستان، جان خود را از دست داد. کارگران میخواهند که به وضع درمانگاه دخانیات سروسامانی داده شود و نارسائیهای موجود هر چه زودتر برطرف گردد.

ناهار خوری کارگران

بعلت شرايط خاص کار در کارخانجات های دخانیات، در اکثر کارخانجات دخانیاتی دنیا، سعی بر اینست که لااقل یک وعده غذایی گرم به کارگران داده شود. در کارخانه های شرکت دخانیات ایران هم از ابتدای تاسیس این نظر رعایت شده است. در حال حاضر محیط ناهار خوری کارگران بهداشتی نیست و نظافت رعایت نمیشود. نحوه طبخ و کیفیت غذاهای تهیه شده طوری است که اکثر کارگران از این وضع دچار ناراحتی های معدی و دستگاه گوارش هستند. به همین جهت ترجیح میدهند که از غذاهای دخانیات استفاده نکنند و برای ناهار خود با اجبار از غذاهای قهوه خانه ها و دکاهای ساندویچ فروشی اطراف دخانیات استفاده کنند، که ادامه این امر خود موجب بروز ناراحتی های دیگری برای کارگران خواهد شد. کارگران مستمراً به وضع ناهار خوری و کیفیت غذاهای تهیه شده اعتراض میکنند، ولی اعتراض آنان متأسفانه تاکنون بجائی نرسیده است. کارگران جدا خواهان تغییر وضع ناهار خوری و کیفیت غذاهای روزانه خود هستند و عقیده دارند، با اعتباری که برای تهیه غذا در نظر گرفته میشود، تغییرات اساسی در وضع موجود امکان پذیر است.

شیرخوارگاه دخانیات

به درخواست کارگران زن دخانیات که اکثر آنها بطور کارمندی و با شرايط سنگین بکار اشتغال دارند، از چند سال قبل محلی بنام شیرخوارگاه در محیط کار کارگران تاسیس شده است. هم اکنون نزدیک به چهل نفر از کارگران زن، از ساعت شش صبح، که در محل کار حاضر میشوند، نوزادان خود را به شیرخوارگاه می سپارند. در فاصله زمانی کار روزانه و پس از هر دو ساعت کار، آنها مجازند که جهت رسیدگی و شیر دادن به فرزند خود به شیرخوارگاه بروند. ولی شرايط بدکار موجب میشود که این مادران نتوانند، آنطور که باید و شاید، به وظیفه مادری خود برسند. به لحاظ اینکه دستمزد کارگران بطریق کارمندی پرداخت میشود، عدم حضور آنها در محل کار، موجب ناراضی و گاهی اعتراض دیگران میشود و ما در به منظور عدم مواجهه با این مشکلات بالا جبار وقت کمی را که باید به تروخش کردن و شیر دادن فرزندش ببرد، باز هم کمتر میکند و آنان میزند. با توجه به اینکه شیرخوارگاه در فاصله قابل ملاحظه ای از محل کار کارگران قرار دارد و ترس و خشک کردن اطفال هم عملاً بر عهده مادر گذاشته شده است، کارگران وقت مجاز برای اینکار را کافی نمیدانند و خواهان تجدید نظر در آن هستند.

مهد کودک

مهد کودک دخانیات از چندین پیش شکل صحیح و مناسبی بخود گرفته و امید می رود که با استخدام یک خانم متخصص در امر مهدکودک، وضع آنجا بشکل محیط آبرومندی درآید، که با اصول متداول مهدکودکهای بهداشتی

یک نمونه الهام بخش

هیئت واگذاری زمین در استان کرمانشاه که در راه انقلاب کام برمی دارد، با افشاء اعمال ضدانقلابی و کارشکنانه فئودالها و برخی از متنفذین و نیز اقداماتی که این هیئت تا قبل از تعویق موقتی بند "ج" در زمینه مصادره اراضی انجام داده، نمونه ایست از فعالیت پرثمر این نهاد انقلابی در سراسر کشور.

در اطلاعاتی که هیئت منتشر کرده، آمده است: "هیئت واگذاری زمین استان کرمانشاه با وجود توطئه های بسیار شدید و منسجم فئودالها و عوامل آنها اعم از بعضی متنفذین و پادای آنها و با وجود تهدیدها و بعضا ایجاد درگیری توسط همین عوامل و نیز گسترش جنگ تحمیلی در تعدادی از شهرستانهای این استان از جمله گیلانغرب، سرپل ذهاب، قصر شیرین، نفت شهر و سوسمار و نیز وجود جوامع مناسب دریا و ممتد مسافانه کارشکنی بعضی نهادها و متنفذین شهری که بدون توجه به مصالح منطقه نه تنها با این هیئت همکاری نکرده بلکه مبادرت به تضعیف و تهدید این هیئت نیز نموده و مینمایند، لیکن با این همه این هیئت توانسته است با اتکا و اتکال به خدای بزرگ فعالیت های زیر را انجام دهد.

- ۱- واگذاری موقت زمینهای بزرگ مالکی به خوشنشینان براساس تصمیمات متخذه هیئت و با توجه به آئین نامه مصوبه شورای انقلاب به ترتیب زیر: الف- شهرستان کرمانشاه ۳۵۵۰۰ هکتار ب- شهرستان سنقر و کلیایی ۱۴۶۰۰ هکتار ج- شهرستان هرسین ۱۲۶۲۵ هکتار د- شهرستان اسلام آباد ۱۸۰۰ هکتار ه- شهرستان کنگاور ۷۲۰۰ هکتار و- شهرستان صحنه و دینور ۲۵۱۰ هکتار ز- شهرستان ۶۰۰۰ هکتار

۲- واگذار نمودن ۸۳۲/۷۲۰۰ هکتار زمین به ۳۰ طرح تولیدی با کمک اداره کل کشاورزی و تعاونی روستایی.

۳- تحقیق و بررسی و تأیید حدود ۷۰ فقره وام درخواستی روستائیان و واگذاری موقت حدود ۳۰۰۰ هکتار زمین به جهاد سازندگی جهت کشت اسکان اهالی دوقریه مورچی و شوریلغ که با اعمال زور مالک در زمان اجرای افساد اراضی شانه های از منطقه اخراج شده بودند.

نهاد انقلابی هیئت واگذاری نیاز به حمایت سایر نهادهای انقلابی و کلیه مستولان متعهد دولتی دارد. باید دست هیئت های ۷ نفری باز گذاشته شود، و زنجیر تعویق موقتی بند "ج" که بر اثر اعمال فشار مالکین عمده و پادای آنها بسته شده، هرچه زودتر گسسته گردد.

کمبود علوفه برای دام های عشایر

با استفاده از امکانات موجود در استان های مجاور و بسیج ذخائر و منابع موجود، جلوی یک فاجعه را بگیرند. ولی اخباری که می رسد، راضی کننده نیست و حاکی از آنست که تدابیر جدی و مدهاوم باید اتخاذ شود.

به درخواست اخیر اداره کشاورزی استان کرمانشاهان، که تقاضای ۵۰ هزار تن پودر پودر برای استفاده احشام این دامداران کرده است، باید رسیدگی و پاسخ عملی داده شود.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول، از آن ها می خواهیم که هرچه زودتر جوانب مختلف و متنوع موضوع را بررسی کنند و با ابتکار و خلاقیت، بنحوی که بتوانند بندر بیخ شالوده یک خودکفائی تولیدی درون کشوری را از نظر علوفه فریب، علوفه مورد نیاز این منطقه را تامین کنند و اجازه ندهند که سرمایه مملکت به هدر رود، بخصوص آنکه در شرایط جنگی و محاصره اقتصادی کشور توسط آمریکا و کشورهای وابسته به آن، دامداری از اهمیت ویژه ای برخوردار است و تامین مصرف اهالی و قیمت کالاهای مربوط نیز، وابسته به سازمان دادن صحیح تولید در این رشته حیاتی است.

کمبود علوفه، دام های ایلات و عشایر کشور را تهدید به نابودی می کند و مسئولین امر باید هرچه زودتر در این مورد جاره اندیشی کنند. ما در این باره بارها هشدار داده ایم، ولی وخامت وضع ناچار می کند که این مسئله را باز هم یادآوری کنیم.

در دوران دشواری که رژیم جنایتکار صدام، به اشاره و حمایت امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، به میهن ما حمله کرده، مشکلات زیادی بر مشکلات موروثی رژیم منفرود پهلوی افزوده شده است. از جمله مسائل مهمی که در زمینه امور اقتصادی و تولیدی مطرح شده، مسئله کمبود علوفه برای دام های ایلات و عشایر کشور است. این ایلات و عشایر هرساله، با شروع فصل سرما، به نقاط گرمسیر کوچ می کنند. تا علوفه دام های خود را از بیابان های مناطق گرمسیر تامین کنند. ولی امسال با توجه به موقعیت جنگی و وضع خاصی که در این مناطق بوجود آمده است، دامداران نتوانسته اند به آن مناطق کوچ کنند. در نتیجه اثرات کمبود علوفه ظاهر شد و خطر از بین رفتن دام این دامداران بوجود آمد. البته مقامات مسئول و دلسوز و متعهد برخی اقدامات لازم را انجام دادند و نتوانستند

دست سلف خرها و واسطه ها را، از راه تشکیل تعاونی های مصرف و فروش دهقانی، کوتاه کنیم

بعد از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، به رهبری امام خمینی، مردم قهرمان ایران، بخصوص زحمتکشان شهر و ده، به حق منتظر ملی کردن بازرگانی خارجی کشور و کوتاه کردن دست واسطه ها و دلالان بزرگ و سرمایه دارهای وابسته از بازارهای کشور و شبکه توزیع و فروش بودند. عواقب تأخیر در اجرای این مهم، از طرفی، و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم اقتصادی کشورهای امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه انقلاب و مردم میهن ما، از طرف دیگر، هم اکنون به صورتی حاد بروز کرده است.

به همین جهت است که ماه روز شاهدگرانی ارزاق عمومی، بخصوص مایحتاج ضروری زندگی زحمتکشان میهن هستیم و می بینیم که قیمت محصولات غذایی میوه و همچنین وسایل بهداشتی و غیره مرتبا بالا می رود. دهقانان زحمتکش میهن مانیز همچون کارگران و زحمتکشان شهری باگرانی، کمبود، احتکار و سودجویی واسطه ها و سلف خرها روبرو گردیدند. عدم استطاعت و تهدیدستی این کوخ نشینان باعث گردید که آنها بسیاری از مواد ضروری خود را از زندگی حذف کنند.

از جمله این زحمتکشان، دهقانان منطقه قائنات در جنوب خراسان هستند. جنوب خراسان نه تنها به علت وضع طبیعی خاص خود، بی آبی، کم بارانی و کویری زلزله خیزی بلکه به علت سلطه دیرینه بزرگ مالکی غارتگر از جمله مناطقی است که دهقانان آن همواره با فقر و فلاکت زندگی گذرانیده اند. عامل گرانی از یک سو و دستهای واسطه ها و سلف خرها از طرف دیگر، نیز بر سایر عوامل

بعد از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، به رهبری امام خمینی، مردم قهرمان ایران، بخصوص زحمتکشان شهر و ده، به حق منتظر ملی کردن بازرگانی خارجی کشور و کوتاه کردن دست واسطه ها و دلالان بزرگ و سرمایه دارهای وابسته از بازارهای کشور و شبکه توزیع و فروش بودند. عواقب تأخیر در اجرای این مهم، از طرفی، و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم اقتصادی کشورهای امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه انقلاب و مردم میهن ما، از طرف دیگر، هم اکنون به صورتی حاد بروز کرده است.

به همین جهت است که ماه روز شاهدگرانی ارزاق عمومی، بخصوص مایحتاج ضروری زندگی زحمتکشان میهن هستیم و می بینیم که قیمت محصولات غذایی میوه و همچنین وسایل بهداشتی و غیره مرتبا بالا می رود. دهقانان زحمتکش میهن مانیز همچون کارگران و زحمتکشان شهری باگرانی، کمبود، احتکار و سودجویی واسطه ها و سلف خرها روبرو گردیدند. عدم استطاعت و تهدیدستی این کوخ نشینان باعث گردید که آنها بسیاری از مواد ضروری خود را از زندگی حذف کنند.

لوله کشی و بری است. یکی از کشاورزان، که منبع درآمد دیگری جز کشاورزی ندارد، می گوید:

"من سال پیش از محصولات که داشتم، مقداری برای مصرف خانواده ام نگه می داشتم، ولی امسال با گرانی سرسام آور، برای خرید مایحتاج ضروری دیگر مجبور شدم برای خودم چیزی نگه ندارم." یکی دیگر از کشاورزان می گوید: "چه می شد همین طور که مند و شکر و کود و برنج را شرکت تعاونی در اختیارمان می گذارد، تمام ارزاق زندگی را به ما بفروشد و محصولاتمان را هم خریداری کند، تا دیگر ترسی از اینکه روی دستمان بماند و بیبوسد، نداشته باشیم و مجبور نشویم حاصل دسترنج خود را به جیب واسطه های از خدایی خیر بریزیم؟" در واقع این دهقانان ضرورت تشکیل تعاونی مصرف و فروش صحت میکنند که مسئله ای بسیار حساس و حادث است.

حسین دهقانی دیگر، صحبت می کند: "اگر در کشور قند و شکر نباشد مایاکشته توت چای میخوریم و از بازار سیاه قند کیلویی ۷۵ ریال نمی خریم، تا به جیب ضد انقلابی ها برود. به هر حال اگر شرکت تعاونی جنسی را به قیمت عادلانه به ما فروخت که هیچ، وگرنه از بازار سیاه چیزی نخواهیم خرید."

دهقانان زحمتکش منطقه قائنات به حق خواستار کوتاه شدن دست سلف خرها و واسطه های زالو صفت هستند. دولت با ایجاد تعاونی های مصرف و فروش و تولید و با تضمین خرید محصولات کشاورزان به قیمت عادلانه، ضربه محکمی بر پیکر این دلالان انگل وارد خواهد ساخت. این تنها راه جاره مبارزه با فعالیت ضد انقلاب در این محدوده و انسجام پشت جبهه است.

«اربابها می خواهند که ما مستقل نباشیم و برای آنها کار کنیم»

دارد ولی اربابها به ما نمی دهند و می خواهند که ما مستقل نباشیم و برای آنها و برای زمین آنها کار کنیم.

هیئت های ۷ نفری در راه مبارزه با گام نهادن اند. آنان مجریان کار عظیمی شده اند. هیئت ها خود بر این امر واقف کامل دارند و در اکثر مناطق در تدارک انجام این امر خطیر یعنی اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی هستند. اعضا هیئت ها باید هوشیاری لازم و دقت کافی را مبذول دارند تا عوامل و پادای بزرگ مالکان در صفوف آنها نفوذ نکنند و خود نیز تحت تاثیر فریب ها و مکرهای این چپاولگران واقع نگردند. هرگونه تندروی نیز بپرهیزند. خرد مالکان و آتانی که تا سه برابر عرف محلی زمین دارند، اربابها نباید مورد تعرض قرار گیرند. بزرگ مالکان مصمم شده اند که با هیئت وظیفه سترک هیئت ها را مسخ کنند و آنها را مورد انواع تهمت ها قرار دهند و دهقانان محروم را نسبت به هیئت ها بدبین کنند. یابین آنان و خرد پاهای نفاق و دشمنی بیاندازند و روشن بینی قاطعیت و روشن بینی هیئت ها موجب بی اثر شدن این توطئه ها خواهد شد.



دهقانان ایران، که سهم عظیمی در پیروزی انقلاب و تحکیم دستاوردهای آن دارند، اینک نیز که کشور ما درگیر جنگ تحمیلی رژیم صدام است، از حمایت همه جا نبه از رزمندگان انقلاب خودداری نمی ورزند. یک دهقان واقعه دشتی، از حومه های صومعه سرا، در این باره می گوید: "تصمیم گرفتیم کمک دستجمعی به مناطق جنگی بکنیم، تا این برادران و خواهران ما تصور نکنند در جنوب که جنگ است، مردم شمال کشور به آن بی توجه هستند. ابتدا چند نفر با هم به مذاکره نشستیم، تا از هر خانوار مقداری زمین بخریم، تا بتوانیم به بعد پیشنها دشمن که مقدار کم را در اختیار هر خانوار بگذاریم. به این ترتیب به ۶۰ خانوار روستایی مراجعه و کمک های نقدی و جنسی را دریافت کردیم. ما حدود ۵۵ کیلو برنج و معادل ۱۵ هزار ریال پول نقد جمع آوری کردیم. این کمک ها در اختیار ستاد جمع آوری کمک ها به مناطق جنگ قرار گرفته است. این دهقان در پایان می افزاید: "برای مبارزه با شیطان بزرگ - آمریکا و همکاران جنایتکار او صدام، آماده هر نوع فداکاری هستیم، تا به رهبری امام خمینی برای آمریکا پیروز شویم. هم اکنون هم تعدادی از فرزندان روستای ما در جبهه های جنگ هستند."

کمک دهقانان
واقعه دشت
به رزمندگان انقلاب

★ «برای مبارزه با آمریکا آماده هر نوع فداکاری هستیم»

یادی از شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا

(بمناسبت هزاره میلادش)



بوعلی بهنگام اختفاء در خانه ابوغالط عطار و در خانه یکی از سادات علوی همدان و سپس در قلعه «فردجان» انجام داده و این کتاب عظیم را گاه بدون مراجعه به منابع و یا سرعتی حیرت‌آور تألیف کرده است.

پس از رهائی از زندان، بوعلی به اصفهان میرود و در نزد امیر علاءالدوله ۴۱۲ هجری قمری، بهنگام مسافرت به همراه امیر از اصفهان به همدان، به بیماری «قولنج» درمی‌گذرد و آرامگاهش، چنانکه میدانیم، در همدان است. به احتمال قریب به یقین، عقاید شیعی و یا باصطلاح سلطان محمود، رافضی این سینا، موجب طرد و تعقیب دائمی اوست.

کتاب این سینا، «حجۃ الحق» و «شیخ الرئیس» و «شرف الملک» و «امام الحکماء» است و فیلسوف و پزشک و ریاضی‌دان و منجم و شاعر بدو زبان عربی و فارسی بوده و بیش از صد کتاب و رساله نوشته، که از آنجمله کتاب «دانشنامه علائی» و احتمالاً کتاب «رگم شناسی» به پارسی است، ولی مهم‌ترین

بخارا را ترک گفت و به شهر گرگانج، پایتخت خوارزمشاهیان (سلسله مامونی) رفت، در شهر بخارا گذشت، آنجا او نزد ابو عبدالله نائلی و عیسی بن یحیی پزشک، مقدمات علم متداول عصر و پزشکی را آموخت.

بوعلی مسلماً حافظه‌ای غیر عادی داشت، زیرا در ده سالگی حافظ قرآن بود و در هفده سالگی نوح بن منصور، امیر سامانی را معالجه کرد و لذا اجازه یافت که از کتابخانه بزرگ و ممتاز سلطنتی او استفاده کند. به فلسفه دل بست. چهل بار کتاب «مابعدالطبیعه» ارسطو را خواند. همه آنرا حفظ شد، ولی برخی مطالب آنرا فراموشید. بعدها کتاب «اغراض کتاب مابعدالطبیعه» فارابی را به سه درم خرید و از روی آن توانست کتاب ارسطو را نیک درک کند.

در گرگانج، همراه بیرونی و یوسول مسیحی پزشک و ابونصر عراق و جمعی دیگر از روشنفکران بنام آن ایام، تحت حمایت علی بن مامون و مامون بن محمد، خوارزمشاهان دانش‌دوست، گویا زندگی آرامی داشت، ولی در سال ۴۰۳ هجری قمری مجبور شد، پعلت

تسلط محمود، به خوارزم، از آنجا بگریزد این سینا از راه گرگان و ری به همدان رفت. در نزد امیر شمس‌الدوله دیلمی در همدان به وزارت رسید. پس از مرگ این امیر در ۴۱۲، در زمان بهر سماءالدوله دیلمی، سرایان پعلت مسائل مالی و شاید در اثر تحریکات سلطان غزنوی، بر او می‌شوردند، زیرا وی را مقصر عدم پرداخت بیستگانی لشکر می‌شمردند. سماءالدوله او را در قلعه «فردجان» حبس می‌کند و گویا این گرفتاریها و حبس در قلعه «فردجان» دو سال بطول می‌انجامد. ابوعلی در جزایر، شاگرد نزدیکی (که در سال ۴۰۳ در گرگان بار پیوست و نکارنده شرح زندگی بوعلی است) می‌گوید که تألیف عمده فلسفی خود (یعنی شفاء در فلسفه) را...

در کشور ما، در سال ۱۳۳۱، هزاره بوعلی برپا شد، باین حساب که شیخ در صفی ۳۷۰ متولد شده است. اروپائیان تولد شیخ را در ۹۸۰ میلادند، لذا در سال هشتاد جاری، هزار سال از میلاد بوعلی می‌گذرد. این يك تفاوت تقویمی است. به علاوه تاریخ دقیق تولد ابوعلی سینا را بر خیبا حتی در ۳۷۵ نوشته‌اند. در این کار ضرری نیست. از چنین دانشمندی، هر چه تجلیل شود، کم است.

از زندگی ابوعلی آنچه مسلم است اینکه، حسین کوچک از پدری بنام عبدالله از مردم «بلخ» و مادری بنام ستاره از مردم «افشنه» (از روستاهای اطراف بخارا) در روزگاری پر آشوب متولد شد. در آن هنگام، در اثر مخالفت صریح آل بویه با خلفای عباسی، این خلافت متدرج رو به ضعف نهاده بود و احتمال می‌رود که تحریکات خلفای عباسی در برانگیختن امیران ترک آل سبکتکین بر ضد سامانیان مؤثر بوده، و چنانکه در تواریخ مذکور است، بسط قدرت محمود غزنوی بر سرنگونی سلسله های ایرانی سامانی و مامونی منجر می‌شود، و ما نظیر این تحریکات را در مورد الناصر بالله خلیفه و چنگیز نیز می‌بینیم. در دوران این سلسله‌های ایرانی، تسامح و آسان‌گری بیشتر بوده و لذا هم آثار فلسفه و علوم یونانی و اسکندرانی به میزان زیادی ترجمه شده بود و هم بحث‌های مذهبی در مسائل مختلف، حتی در محض خلیفه‌ها و سلطانها، در گرفته بود. خلافت عباسی، که بقول نظام‌الملک در «سیاست‌نامه» به ترکان پاک‌دین حنفی و شافعی مذهب بیشتر اتکاء و باور داشت، سرانجام توانست يك دوران خشن ارتجاعی پدید آورد، که در زمان سلجوقیان نیز ادامه یافت و کار را بر آزاد اندیشی تنگ ساخت.

دوران کودکی و جوانی ابوعلی تا ۲۲ سالگی که وی، از بیم محمود،

حاکمی از آفت.

خردگرائی ابن سینا و علاقه و تبحرش در علوم طبیعی عصر (از طب و کائنات و کون و فساد و سماع طبیعی و آثار جلوی و معادن و علم‌النبس (روانشناسی) و نباتات و طبایع الحیوان و غیره) و عشقش به ریاضیات و هیئت، او را در ستیغ دانش عصر قرار میدهد و در دورانی که این امور خریدار کم داشت و چنین راهگشائی‌ها برای سیر بعدی معرفت انسانی ضرور بود، اهمیت آن انکارناپذیر است.

متأسفانه از این همه آثار بزرگ ابن سینا، جن مختصری (عسل‌النس و سماع طبیعی شفا) به فارسی ترجمه نشده و کار تحقیقی، مقابسه‌ای، نقادانه روی آنها انجام نگرفته است و با آنکه در ایام هزاره گذشته، دهها مجلد کتاب درباره بوعلی نشر یافته، ولی هنوز وظائف عمده «ابن سینا شناسی» باقی است.

درباره شناخت ابن سینا در اروپای باختری و در اتحاد شوروی کار اندکی نشده است، که بویژه از جهت صرفاً تحقیقی کارهای مادام گواشون، راجه فرانسوی، دارای اهمیت ویژه است.

مردم ایران و تاجیکستان و افغانستان و خلقهای عرب همه بدلائل مختلف به ابن سینا بعنوان یکی از سالاران فرهنگ خویش می‌بالند، و اصولاً او از مفاخر انسانیت است. بیجا نیست که نامش را در کنار نام ارسطو می‌گذارند و ما ایرانیان جا دارد که باو مباحث و رزمیم و بویژه خردگرائی و دانش‌دوستی و کار و کوشش‌شگرف را از این داهی کم‌همال در تاریخ فرهنگ اسلامی فراگیریم.

کتابهایش در طب همه عربی است، که از همان سده‌های میانه شهرت جهانی یافته و فلاسفه نامدار باختر، مانند راجر- یکن و قدیس تماس اهل آکوئیناس و قدیس اوگوستین فیلسوف مسدوسی آلمانی، تحت تأثیر این آثار بوده‌اند. ابن سینا خود از نمایندگان نوزائسی (رنسانس) مشرق‌زمین و از رهگشایان رنسانس باختری است.

بیان نظرات ابن سینا در يك مقاله مجلد در روزنامه محال است، زیرا این کار موجب تلخیص بی‌رویه و مسخ این افکار میشود. اما در این بحث که آیا ابن سینا تنها مقلد و مترجم آثار ارسطو است یا خود مبتکر است، مطلب از دیرباز روشن است. تردید نیست که ابن سینا و فارابی مباحث و مقولات و استدلال فلسفی را بطور عمده از ارسطو و تا حدی، نادافته، از افلاطون گرفته‌اند، ولی بویژه در ابن سینا جوهر

استدلال مستقانه قوی است و همه فلاسفه اسلامی، مانند گندی و فارابی و ابن سینا و ابن رشد سعی داشته‌اند که فلسفه یونان را با دیانت اسلام سازگاری دهند و در این کار ابن سینا نیز سخت کوشیده است. با آنکه پعلت قبول برخی آراء ارسطو، بعدها مورد انتقاد برخی از متکلمین (مانند غزالی) قرار گرفته، ولی

برخی دیگر (مانند فیلسوف و متکلم اثناعشری، خواجه نصیرالدین طوسی) از او دفاع کرده‌اند و بهر جهت، با احتمال قریب به یقین، ابوعلی با نگارش کتاب «حکمة المشرفین» (که اینک اوراق جزئی از آن در دست است) گویا می‌خواسته است آراء مستقانه خود را بیان دارد و ظاهراً در این آراء تمایل او به حکمت

اشراقی بیش از حکمت مشائی و ارسطویی است و تمایلات عرفانی داشته که رساله «حی بن یقظان» و قصیده عربی «ورقانه»

اند و درخواست دارند که این شرکت در تأمین احتیاجات آنان تسهیلات و امتیازاتی برایشان قائل شود و عرصه احتیاجات را کامل کند. مدیریت فعلی فروشگاه مورد قبول کارگران نیست و نارضائی کارگران از نحوه مدیریت بارها با اعتراض اعلام شده است. کارگران خواهان آنند که به حسابهای گذشته فروشگاه و شرکت تعاونی رسیدگی شود و شرکت تعاونی به کلیه واحدهای کارگری دخانیات، نظیر نازی آباد و هشترگرد، گسترش یابد، زیرا تا مین احتیاجات این کارگران از تنها فروشگاه شرکت تعاونی، واقع در جنب کارخانه به آسانی میسر نیست.

باشگاه و تفریحات سالم در دخانیات

بظاهر در دخانیات محل وسیعی، با ساختمانی زیبا، بنام باشگاه، سالها قبل وجود داشته و هم اکنون نیز وجود دارد. ولی در واقع، چه در گذشته و چه در حال، این باشگاه و اداره عریض و طویلش نام بی‌سما و تشریفاتی بیش نیست. در زمان طاغوت کار باشگاه و اداره مربوطه اش برگزاری مراسم ضد ملی و طاغوتی بوده است و تعدادی از افراد غیرکارگر و غیر دخانیاتی هم به عنوان اعضای تیم‌های مختلف ورزشی، دخانیات، از طریق مقامات ذینفوذ و ساواک به دخانیات تحمیل میشدند،

خود را همه ماهه بابت اجاره بیفوقله هائی، که در جنوب شهر بنام مسکن در اختیارشان قرار گرفته، بپردازند. پرداخت وام مسکن از سالها قبل در دخانیات معمول است، ولی مقررات پرداخت این وام آنچنان تنظیم شده که کارگر، پس از بیست سال کارکردن، نخواهد بود. کارگران جوان میگویند که شرایط فعلی پرداخت وام موقتی برای کارگران شانس احتمالی دریافت وام را بوجود می‌آورد که کارگر، پس از سالها کار، با داشتن همسر و اولاد، زیر بار پرداخت اجاره‌بهای طولانی، بکلی فرسوده و از پا افتاده شده است. کارگران جوان میگویند که پرداخت احتمالی وام، پس از بیست سال کار کردن، دردی از آنان دوانمی‌کند. آنان خواستار آنند که شرایط فعلی پرداخت وام، با نظر نمایندگان واقعی شان تغییر یابد و ترتیبی داده شود که به کلیه کارگران، حداکثر در آخر سال پنجم اشتغالشان بکار، وام خرید خانه پرداخت شود.

شرکت تعاونی کارگران دخانیات

شرکت تعاونی کارگران دخانیات، که سابقه تشکیل آن به زمانی نزدیک به بیست و هفت سال قبل می‌رسد، هنوز دچار نارسائی‌های زیادی است. کارگران از وضع شرکت تعاونی ناراضی-

در شرکت دخانیات

بقیه از صفحه ۴

مشکل مسکن کارگران

مسئله مسکن یکی از مشکلات اصلی کارگران دخانیات را تشکیل میدهد. اکثریت قریب به اتفاق کارگران، بخصوص کارگران جوان کارخانجات دخانیات، فاقد مسکن هستند. کارگران جوان دخانیات، که حقوق متوسط آنان از سه هزار تومان تجاوز نمی‌کند، باید حداقل شصت درصد از دریافتی

"استقلال به معنای انزوا طلبی نیست، به معنی قطع رابطه با دیگر کشورها نیست، به معنی دیوار بندی کشور کشیدن نیست. وقتی ما بتوانیم احترام به تمامیت ارضی کشور و احترام به حق حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را تأمین کنیم، وقتی مادر تمام شئون زندگی، اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، بازرگانی، فرهنگی و غیره، خودمان، بر مبنای مصالح کشور و رشد و ترقی و وطنمان را تصمیم اتخاذ کنیم، استقلال کشورمان را تأمین کرده ایم." منتهی این جمله نقل قولی است که نویسنده سرمقاله روزنامه "انقلاب اسلامی"، از مقاله نامه مردم (۳۰ دیماه ۵۹) آورده است...

درباره استقلال

بقیه از صفحه ۳

سرونی و بیرونی بازکنند، انقلاب را از درون بپوسانند، تا خلعت و ماهیت انقلاب از دست برود و به چیستی "معتدل و میانه‌رو"، معقول و قابل مذاکره! آنطور که ریگان سفارش میکند، بدل شود.

مردم انقلابی ما، زحمتکشانی که این انقلاب مال آنهاست و آنرا یاسداری میکنند، اجازه نخواهند داد که آمریکا هیچ غلطی نکند. کسانیکه سرنوشت خود را با امپریالیسم آمریکا - هر اندازه هارو مکار - گره می‌زنند، عاقبتی جز همان از صحنه سیاست کنار رفتن و یافزاری شدن، بطوریکه خود نویسنده سرمقاله اعتراف کرده است، نخواهند داشت. آيا سرمقاله نویسنده روزنامه انقلاب اسلامی و دوستان آنقدر در ادامه این سیاست نادرست و زین‌بخش‌سماجت می‌خواهند بخرچ دهند که صحت آخرین حکم جمله "درستان، در مورد خودشان نیز اثبات شود!؟"

اما از حق نگذریم و جانب انصاف را نگه داریم که سرمقاله ۲۰ بهمن ۵۹ روزنامه "انقلاب اسلامی"، علاوه بر آن جمله آغازین، یک جمله کاملاً درست دیگر هم دارد و آن اینک:

تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا

نماینده مجلس عوام بریتانیا:

مردم افغانستان از رژیم خود خشنودند

چنانکه بموقع خود نیز گزارش دادیم، چندین پیش سه تن از نمایندگان «مجلس عوام» بریتانیا به افغانستان سفر کردند و پس از بازگشت به کشور خود، در مقالات و مصاحبه‌های گوناگون، درباره برداشتهای خود از این سفر سخن گفتند.

در زیر متن یکی از این مصاحبه‌ها با نمایندگان رسانه‌های گروهی بریتانیا از نظر خوانندگان نامه «مردم» میگذرد:

پرسش: آیا شما میتوانستید آزادانه در شهرهای افغانستان گردش کنید؟ در اینبار مزاجمتی برایتان پیش نمی‌آوردند؟ سفرتان را از پیش برنامه‌ریزی نمی‌کردند؟

پاسخ: ما میتوانستیم در کمال آزادی، به هر جا که دلمان میخواست، سفر کنیم، عکس و فیلم برداریم و با هر فرد و گروهی سخن بگوئیم. چهره‌های مردم، همانگونه که در فیلم‌هایی که با خود آورده‌ایم، می‌بینید، شاد و بانشا بود. آشکارا دیده میشد که مردم از رژیم بیکر کارمل خشنودند.

پرسش: نظر شما درباره گزارشهایی که در مطبوعات غرب درباره افغانستان چاپ می‌شود، چیست؟

پاسخ: گزارشهای مطبوعات غربی غالباً دروغ است، زیرا منابع خبری آنها پاکستان است و «مسافرینی» که از پاکستان وارد افغانستان میشوند و یا برعکس.

پرسش: آیا ارتش شوروی بر امور افغانستان نظارت ندارد؟

پاسخ: آنچه که درباره ارتش شوروی شهرت داده شده است، بنظر ما درست نیامد. ما در کابل و دیگر شهرهای افغانستان سرپا روی ندیدیم. البته در فرودگاه کابل چند «میگ» شوروی دیده میشد. تکرار میکنم که باستان فیلم‌ها و عکس‌هایی که با خود آورده‌ایم، مردم رضایت کامل دارند. حضور ارتش شوروی را در افغانستان نباید پیراهن عثمان کرد و بودجه نظامی را افزایش داد و در فکر توسعه قدرت اتمی بود. چنین اقداماتی به هیچ‌روی قابل توجیه نیست.

جو نامنی و ترور در بندرعباس

به دنبال ترور یکی از سرمایه‌داران بندرعباس و سرقت‌های بی‌پایانی که در چند روز گذشته (از اوائل اسفند ماه) در این منطقه صورت گرفته، وحشت و جو نامناسبی بندرعباس را فرا گرفته است.

این وضع نامناسب از هنگامی پیش آمد که یک انبار حاوی وسایل خانگی در بندرعباس به آتش کشیده شد و دو روز بعد یک دستگاه چاپاز اداره شرکت نفت به سرقت رفت.

در روز ۲۱ بهمن نیز چند سارق مسلح پول‌های شعبه‌های بانک‌های بندرعباس را، که به بانک مرکزی منتقل میشد، به سرقت بردند. در این حمله مسلحانه حدود ۵ میلیون تومان به سرقت رفت و یکی از مأمورین دولتی نیز در جریان تیراندازی زخمی شد.

در آذرماه نیز حقوق پرسنل نیروی دریایی در منطقه توسط عده‌ای به سرقت رفت. در جریان سرقت این پول‌ها، یک درجه‌دار کشته و دو محافظ پول‌ها مجروح شدند. مبلغ سرقت شده حدود ۸ میلیون تومان بود.

روز ۲۰ بهمن‌ماه نیز از مأمور یک داروخانه مبلغ ۳۰۰۰۰۰ تومان به سرقت رفت. سارقین سوار موتور و مسلح به یوزی بودند.

مجموعه این حوادث، که مدتی است بطور سازمان یافته در بندرعباس اتفاق می‌افتد، جو بسیار نامساعدی در این شهر به وجود آورده است. حضور افغانی‌های به اصطلاح مبارز و مسلمان، که وابسته به جمعیت‌های ضد انقلابی افغانی هستند نیز بسر نامنی در منطقه افزوده است:

ما ضمن دادن هشدار به مقامات مسئول، از آن‌ها مصرانه می‌خواهیم که در مورد اتفاقات بندرعباس رسیدگی جدی به عمل آورند و با تقویت شبکه انتظامی منطقه، آرامش را به بندرعباس بازگردانند.

ما هشدار میدهیم که ضد انقلابیون داخلی و خارجی آتش‌افروزی در بندرعباس را آغاز کرده‌اند. اجازه ندهید که در شرایط حساس مملکت، کانون تشنج دیگری را شاهد باشیم.

به زبان لیبرالی، بالهجه آمریکائی



عوسام به توارایش، ای بنام به اون چماقت !!

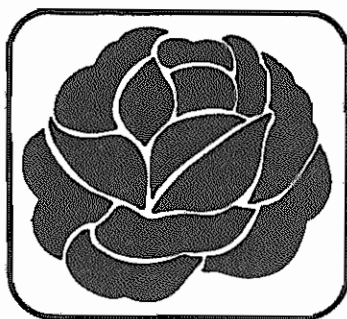
انقلاب اسلامی، ۶ اسفند ۱۳۵۹

ترجمه به فارسی



عوسام به توارایش، ای بنام به اون چماقت !!

تقویم سال نو



۱۳۶۰ بزودی منتشر میشود

این هفته در «نامه مردم» بزبان کردی میخوانید:

کمیونست اتحاد شوروی - از گزارش کنکره بیست و ششم حزب کمیونست اتحاد شوروی:

انقلاب ایران رویدادی بسیار مهم در حیات بین‌المللی بود.

به مناسبت کنکره بیست و ششم حزب کمیونست اتحاد شوروی: دستاوردهای اتحاد شوروی (دو فاصله کنکره‌های ۲۵ و ۲۶ حزب کمیونست اتحاد شوروی)

تظاهرات دانشجویان عراقی و دانشجویان توده‌ای علیه رژیم صدام حسین در لندن

به مشکلات روستاهای کردستان رسیدگی کنید.

اصطلاحات سیاسی - اجتماعی - شعر

چگونه مردم ناراضی میشوند و چه باید کرد که ناراضی نشوند.

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگان بیست و ششمین کنکره حزب

حمله به دفتر و کتابخانه حزب توده ایران در سیاهکل

دفتر حزب توده ایران در سیاهکل، روز ۱۹ بهمن ۵۹، قبل از سخنرانی حجت‌الاسلام امینیان مورد حمله قرار گرفت. همچنین کتابخانه هواداران حزب توده ایران نیز مورد حمله واقع شد و تمام کتابهای موجود در آن سوزانده شد.

به دنبال حمله به دفتر و کتابخانه حزب، هواداران حزب توده ایران در سیاهکل، طی نامه‌ای به آقای

امین‌نصری نماینده مردم سیاهکل، ضمن اعتراض شدید به این عمل غیرقانونی و خرابکارانه، خواستار رسیدگی مقامات مسئول به این امر شدند.

ما نیز از مقامات مسئول مصرانه می‌طلبیم که هرچه زودتر از این اعمال غیرقانونی و خرابکارانه که فقط بسود ضدانقلاب است، جلوگیری کنند و مسببین راجحت تعقیب و مجازات قرار دهند.

ضربات سنگینی...

بقیه از صفحه ۱

در محور ماهشهر - آبادان نیز با آتش دلاوران ما، به یک تانک و چند خودروی دشمن آسیب وارد آمد و یک انبار مهمات ارتش عراق به کلی نابود شد.

قهرمانان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز با اجرای آتش بر روی مواضع دشمن در منطقه غرب خونین - شهر، تلفات و خساراتی بسر متجاوزان صدامی وارد آوردند. همین مبارزان در عملیات خود توانستند با اجرای آتش خمپاره

روی مواضع افراد نظامی عراق در آنسوی اروندرود، از فعالتهای دشمن در آن منطقه ممانعت بعمل آورند.

همچنین یک گروه گشتی از مدافعان انقلاب، که از یکی از مناطق غرب کشور به خاک عراق نفوذ کرده بودند، ضمن درگیری با نیروهای دشمن، موفق شدند یک تانک و دو خودروی نظامی ارتش تجاوزگر عراق را منهدم کنند و پنج تن از تجاوزگران صدامی را به هلاکت برسانند و تعدادی ترا نیز زخمی کنند. در این درگیری یک تن از قوای ما اسیر و دو تن شهید شدند. در

جامعه سوسیالیستی...

بقیه از صفحه ۱

میکند و نهادار سیاس در قبال خدماتی است که اتحاد شوروی در راه تامین صلح آمیز و بهتر برای تمام خلقها انجام میدهد.

مک‌لنان گفت:

«پیشنهادهای جدید صلح‌جویانه‌ای که در گزارش کنکره بیست و ششمین بیطان این ادعاهای افرا آمیز را، که گویا اتحاد شوروی یک دولت متجاوز و توسعه‌طلب است، به اثبات میرساند.»

هنگ سامرین، رئیس شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک خلق کامبوجیا، طی مصاحبه

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شوکت کنیم!



توطئه فئودال های ارسباران علیه انقلاب افزایش یافته است

فئودالهای منطقه کلبی و ارسباران با کمک ساواکیها و سایر عوامل ضدانقلاب در این منطقه دست به تبلیغات وسیعی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران زده اند. اینان ازسوی با کمک تفنگدارانشان به آزار و آذیت روستائیان می پردازند و ازسوی دیگر با تحریک آنان علیه جمهوری اسلامی ایران و سوء استفاده از محرومیت های اهالی، تخم یاس و ناامیدی نسبت به انقلاب و دستاوردهای آنرا در دل روستائیان می کارند.

این عناصر که در رأسشان یک افسز سابق ارتش و عضو ساواک منحل قرار دارد، اخیراً نهادهای انقلابی و مسئولین این ارگانها را هدف حملات خود قرار داده اند. آن ها از جمله می گویند با زدن برچسب «کمونیست» و «وابسته به شوروی» اقدامات انقلابی دادستان سابق انقلاب این شهرستان و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی را که زمین های خوانین منطقه از جمله اسدالله خان و شجاع خانرا به مردم واگذار کرد، نامشروع جلوه دهند. اینان تبلیغ می کنند که «تقسیم زمینهای فئودالها عملی غلط و غیرقانونی است و باید هر چه زودتر اموال فئودالها به آنان بازپس داده شود!! ازسوی دیگر ضد انقلابیون دست به یک عوامفریبی رذیله زده اند و با پخش رایگان مایحتاج عمومی روستائیان از قبیل روغن نباتی، قند و شکر و پودر رختشویی که در منطقه بسیار کمیاب است، (خودشان احتکارگراصلی هستند) علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغ و وانمود می کنند که انقلاب برای زحمتکشان روستاها هیچ فایده ای نداشته است و این فئودالها و عوامشان هستند که به داد روستائیان می رسند.

برائى تبلیغات گسترده ضدانقلاب علیه انقلاب و نیروهای مترقی و متعهد، جوی مشتج و آماج سوءاستفاده ضدانقلاب در این منطقه بوجود آمده است. بر مسئولان دولتی و ارگانهای انقلابی استان، بخصوص پاسداران انقلاب است که با قاطعیت علیه توطئه این فئودالها و عوامشان وارد عمل شوند و با خلع سلاح فئودالها و عوامشان از سوی و حل سریع مشکلات زندگی مردم این ناحیه ازسوی دیگر، توطئه ضدانقلاب را برای ایجاد ناراضی و بدبینی در بین زحمتکشان این منطقه نسبت به انقلاب، خنثی سازند.

نمایشنامه «جانشین»، نوشته غلامحسین ساعدی، به کارگردانی ایرج راد به صحنه آمده است. دربروشور نمایشنامه می خوانیم که:

«جانشین برداشتی است نمایشی از جنگ قدرت طلبانه گروهبانها و دستجات سیاسی، که قبل از ۴۸ مرداد ۱۳۳۳، با پیش تنگ نظری و انحصار طلب خود، زمینه را برای سلطه مجدد استعمارگران خارجی و سرمایه داران داخلی فراهم کرد و نتیجه اش کودتای تنگین ۴۸ مرداد بود.»

نمایش با سودجستن از زبان تمثیلی و شیوه های «دلگشایی»، که کلاسیک و سیاق نمایشنامه نویسی پوچی است، نه تنها واقعیت های تاریخی را تا حد ابتذال لو ت می کند، بلکه علیرغم ادعای پرورشور، در محدوده جریانات سال ۳۲ باقی نمی ماند و حکمی کلی در مورد وقایع زمان حاضر نیز ارائه می دهد. داستان از این قرار است که:

سه گروه سیاسی (که در نمایشنامه بصورت سه دلقک نشان داده می شوند) قدرتی راسرنگون می کنند و از صحنه بیرون می رانند. حالا ما شاهد درگیری و نزاع این سه تن (سه گروه یا حزب) هستیم که سعی میکنند یکدیگر را از میدان بدر برند. آنان در این تلاش، از انواع حیل استفاده می کنند، از دروغ و حقه بازی و استیزاء و توهین تا اعمال زور و عاقبت جنگ مسلحانه، که درگیروداران، قدرت سرنگون شده، جان تازه ای می یابند، ازسوراخ خود بیرون می خزند، با اسلحه خود به سمت مردم می رود و آنان را به رگبار می بندد. توده های مردم (که اثری از آنها در نمایشنامه نیست و تنها صدایشان از دور می آید) در واقع آلت دست این سه گروه هستند و تنها فریاد می زنند: «جانشین، جانشین...» و عاقبت هم بی هیچ مقاومتی به خاک و خون می غلطند.

علیرغم آنکه، به احتمال بسیار، کارگردان نمایشنامه در به صحنه بردن این اثر حسرت داشته، یعنی که سعی کرده

نقدی بر اجرای نمایش «جانشین» در تالار رودکی

جانشین: تحریف مبارزات حق طلبانه توده ها

نویشته: غلامحسین ساعدی
کارگردان: ایرج راد
بازیگران: غلامعلی نبی پور، داریوش مؤدبیان، جواد خدا-دادی، حسین کسری

است همداری به نیروهای سیاسی کثونی بدهد، تا دست از اختلاف و درگیری بردارند، اما متأسفانه خود به دام اثرافاده است. نمایشنامه ای که برای اعلام این هشدار برگزیده شده، سراسر جعل و تحریف تاریخ است. کودتای ۲۸ مرداد را، که در «سیا» برنامه ریزی و بوسیله عمال داخلی امپریالیسم آمریکا و انگلیس در ایران اجراء شد، تنها نتیجه درگیری نیروهای داخلی دانستن، نه فقط ساده کردن تاریخ، که لو ت کردن آن است. گروه های سیاسی را از زمینه طبقاتی آن ها جدا کردن و ماهیت شان را یکی نشان دادن، تنها ساده انکاری کودتاه است، که عملاً به تحریف تاریخ می انجامد. مهم تر از این ها، نقش مردم است

هنر

که در این نمایشنامه تاحد عروسک های بی اراده تنزل یافته اند. در نمایش، مردم عروسک هایی اند که کوچکترین دخالتی در تعیین حرکت تاریخ ندارند، سر نوشت آنها را سیاستمداران حریص و حیوان صفت، پشت درهای بسته تعیین می کنند. مردم نادان و ناتوان اند، در نتیجه، شکست آنها محتوم است.

باید به این نکته توجه داشت که هر نمایشنامه ای به صرف آنکه در حکومت فاشیستی پهلوی بزین سانسور رفته و یا حتی نویسنده آن دستگیر شده است، لزوماً اثری مبتنی بر یک بینش سالم و علمی نیست. دلایل یاد شده نمی تواند جواز باشد برای به صحنه بردن آثاری که نه تنها کوچکترین تأثیری در روشنگری اذهان مردم نسبت به واقعیت های تاریخی ندارند، بلکه با کلی گویی های روشن فکرانه، ساده انکاری و تحریف وقایع، تماشاگر را گیب و سردرگم می کنند. نمایشنامه «جانشین» با حذف طراح و مجری کودتای ۲۸ مرداد، یعنی امپریالیسم آمریکا و انگلیس، نادیده گرفتن نقش توده های تاریخ ساز و لو ت کردن مبارزات طبقاتی مردم (که مبارزات سیاسی گروه ها انعکاس آن است) اثری است که نمی توان در فضای سیاسی و انقلابی جامعه ما بی تفاوت از کنارش گذشت. در واقع نمایش بزرگترین تجربه تاریخی مردم ما را از توطئه امپریالیسم، پسر کردگی امپریالیسم جهان خوار آمریکا، بصورتی تحریف شده و نادرست منعکس میکند و تماشاگرانی را که هنوز آثار مسوم ۲۵ سال جعل و تحریف وقایع ۲۸ مرداد از اذهانشان پاک نشده است، گیب و نومید و سردرگم رهامی سازد.

افشای نقشه های تجاوز گرانه امپریالیستی در منطقه خلیج فارس

مطبوعات کشورهای منطقه خلیج فارس، پیشنهاد تشکیل نیروهای نظامی چند ملیتی غرب در این منطقه را منافع ملی خلقهای این منطقه ارزیابی میکنند.

روزنامه «الانداء» چاپ عربستان سعودی مینویسد: «هدف این پیشنهاد گسترش حضور نظامی دول امپریالیستی غرب در این منطقه است که موجب افزایش وخامت اوضاع در این منطقه خواهد شد.»

روزنامه «الرای» چاپ قطر، و روزنامه «الفجر» چاپ امارات عربی، این نقشه ها را تهدیدی جدی علیه استقلال و امنیت کشورهای این منطقه ارزیابی کرده اند.

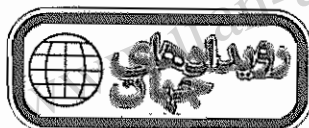
پیشنهاد تشکیل نیروهای چند ملیتی غرب در منطقه خلیج فارس، در دیدار مارگارت تاچر، نخست وزیر انگلستان، با ریگان، رئیس جمهور آمریکا، که در واشنگتن انجام گرفت، عنوان شده است. تاچر در جریان دیدار خود از واشنگتن اظهار داشت که دولت انگلستان آماده است واحدهای از نیروهای مسلح انگلیس را برای تقویت واحدهای آمریکایی نیروی واکنش سریع به منطقه خلیج فارس اعزام دارد.

اعتصاب غذای زندانیان در ایرلند شمالی

گروهی از زندانیان بازداشتگاه لوگکش در ایرلند شمالی، به نشانه اعتراض علیه شرایط فوق العاده دشوار زیست زندانیان، اعتصاب غذا اعلام کردند. نماینده کمیته حمایت از زندانیان سیاسی در بازداشتگاه لوگکش این مطلب را به روزنامه نگاران اطلاع داد. نماینده کمیته حمایت از زندانیان سیاسی، نامه گروهی از زندانیان را که، مخفیانه از زندان فرستاده بودند، برای روزنامه نگاران قرائت کرد. در این نامه زندانیان از رفتار غیر انسانی ماموران بازداشتگاه و شکنجه و ضرب و شتم زندانیان شکایت کرده اند.

بازگشت خانوارهای روستائی افغانی به میهن

طبق گزارش خبرگزاری باختر، اخیراً صد خانوار روستائی افغانی به میهن خود بازگشتند. این خانوارها، که در اثر تبلیغات خصومت آمیز و گمراه کننده، میهن خود را ترک کرده بودند، اکنون که به ماهیت این تبلیغات امپریالیستی و واقعیات تحولات انقلابی در افغانستان آگاه میشوند، به خانه و کاشانه خود باز میگردند. طی یکسال اخیر عده زیادی از روستائیان افغانی، که پندام تبلیغات نیروهای ضدانقلاب افتاده بودند، به افغانستان بازگشته اند.



مخالفت حزب کار هلند با استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی

کنگره حزب کار هلند قطعنامه ای در مخالفت با استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی صادر کرد. در این قطعنامه آمده است که مردم هلند با استقرار موشکهای هسته ای آمریکائی در خاک کشور خود مخالفت و از دولت میخواهند که از چنین اقدامی خودداری کند. در قطعنامه از دولت هلند طلب شده است که عضویت هلند را در سازمان نظامی پیمان تجاوزکار ناتو لغو کند.

چهل و یکمین ماه پرواز آزمایشگاه فضائی «سالیوت» در مدار زمین

چهل و یک ماه است که آزمایشگاه فضائی «سالیوت» به پرواز خود در مدار زمین ادامه میدهد. تاکنون ۱۳ گروه کیهان نورد بوسیله سفینه های کیهان نوردی به این آزمایشگاه آمده و مدتی در آن اقامت داشته اند. اکنون این آزمایشگاه فضائی پژوهشها و آزمایشهای علمی خود را، که بوسیله دستگاههای خودکار و الکترونی انجام می گیرد، ادامه میدهد و همچنان در مدار زمین در گردش است.

چماق داران کیوسک فروش نشریات را در اصفهان ربودند!

ضدانقلابیون چماق دار، عصر پنجشنبه گذشته، یک کیوسک آهنی فروش نشریات را، که در آن از جمله نشریات حزب توده ایران فروخته میشد، توسط کامیون ربودند و به نقطه نامعلومی بردند!

ضدانقلابیون، که شبانه به این سرقت دست زده بودند، با هیچ گونه معافتی از طرف مسئولان انتظامی شهر روبرو نشدند.

روز بعد، صاحب کیوسک، در کنار خیابان، در نزدیکی دروازه شمیران اصفهان، بساط خود را روی زمین پهن کرد و به فروش نشریات پرداخت.

عصر یکشنبه چماق داران از راه رسیدند و با یورش وحشیانه خود، نشریات را از میان بردند و سپس آزادانه محل را ترک کردند. آنها هنگامیکه با اعتراض مردم روبرو شدند، گفتند: «ما قوانین اسلام را اجرا میکنیم!»

روشن است که اینگونه اعمال، که زیر نقاب اسلام انجام میشود، آنهم درست بعد از سخنان رهبر انقلاب و دیگر مسئولان کشور علیه چماق داران، توسط ساواکیها و مافوقیست های آمریکائی سازمان داده شده است و هدفی غیر از لطمه زدن به حیثیت جمهوری اسلامی ندارد. آیا مسئولان نباید سرانجام بخاطر انقلاب، با این چماق داران مقابله کنند؟

محدودیت در راه فعالیت حزب توده ایران در قروه

در روزهای اخیر، بویژه پس از سخنرانی بنامست دومین سالگرد پیروزی انقلاب، موج جدیدی از تهاجم و تحریک علیه فعالیت قانونی حزب توده ایران در شهرستان قروه از توابع کردستان آغاز شده است. این تهاجمات به تحریک عده ای عناصر شناخته شده و تحت نام «حزب الله» صورت میگیرد. هدف این عده جلوگیری از پخش و فروش علنی و قانونی نشریات حزب توده ایران است.

متأسفانه عده ای از مسئولین شهرستان قروه نیز از این عناصر مهاجم پشتیبانی می کنند. دربارۀ این حملات، مسئولین سازمان حزب توده ایران در شهرستان قروه بارها به مقامات مسئول شهر مراجعه و گفتگو کرده و خواستار جلوگیری از ادامه این اعمال شده اند. متأسفانه در پاسخ این مراجعات، بعضی از مقامات شهر بدون توجه به قانون اساسی گفته اند که حزب توده ایران غیر قانونی است و حق هیچگونه فعالیتی ندارد. (این نظر بیشتر توسط مسئول سپاه پاسداران شهر اظهار می شود).

ما ضمن اعتراض شدید به این اعمال و سخنان خلاف قانون، توجه مقامات مسئول کشور را به این مساله جلب می کنیم و خواهان رفع این محدودیتها هستیم.

نامه مَروم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 458
3 March 1981

Price:

| | |
|--------------|-----------|
| West-Germany | 0.80 DM |
| France | 2 Fr. |
| Austria | 8 Sch. |
| England | 20 P. |
| Belgium | 10 Fr. |
| Italy | 350 L. |
| U.S.A. | 40 Cts |
| Sweden | 1.50 Skr. |

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹، منطقه ۱۴ پستی تهران